



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال هفتم، شماره شصت و یکم، آبان ۱۳۹۸

بازدید نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی از پژوهشگاه
گزارش سومین کنگره بین المللی امام علی (ع) پژوهی
گزارش دیدار دکتر قبادی با اعضای پژوهشکده اقتصاد و مدیریت
گزارش مراسم روز کتابدار در کتابخانه مرکزی

نشست‌ها و سخنرانی‌ها

الهامات قدسی اربعین حسینی، سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع)
بهره‌گیری از آثار و اندیشه‌های استاد مطهری در جهت توسعه نقد و ارتقای متون دانشگاهی
تحلیل مقایسه‌ای بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌ها
یاد شاعر: بزرگداشت دکتر قیصر امین‌پور
پیامدهای فرهنگی و اجتماعی راهپیمایی اربعین
ارزیابی و نقد رشته مدیریت آموزشی
فرایند عشق در فلسفه دین زنانه‌نگر
مواجهه رسانه‌ای با مسأله آیدز در ایران
رونمایی، نقد و بررسی کتاب «روش‌های تفسیری»

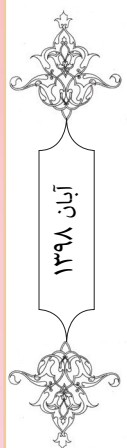
بازدید نایب‌رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی از پژوهشگاه

عصر روز دوشنبه ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۹۸، دکتر قاسم احمدی لاشکی، نایب‌رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با حضور در پژوهشگاه، ضمن بازدید از بخش‌های مختلف آن، طی جلسه‌ای با اعضای هیأت رئیسه، از فعالیت‌ها، برنامه‌ها، اقدامات و نیازهای پژوهشگاه در حوزه‌های مختلف پژوهشی و علمی آگاهی یافت. در ابتدای این جلسه که در آستانه ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ به مجلس شورای اسلامی صورت گرفت، اعضای هیأت رئیسه پژوهشگاه مواردی مانند مضیقه در حوزه‌های مالی، محدودیت‌های پژوهشگاه در زمینه فضای فیزیکی، کم‌توجهی به پژوهش در مقایسه با آموزش در اولویت‌بندی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، ضرورت توجه ویژه به تربیت دانشجویان پژوهشگر در رشته‌های مختلف علوم انسانی در پژوهشگاه و اهمیت و جایگاه گنجینه‌های ادبی و فرهنگی مانند کتابخانه مینوی و آثار خطی و سنگی موجود در کتابخانه‌های پژوهشگاه را مورد تأکید قرار دادند و تخصیص منابع لازم جهت رفع مشکلات در این زمینه را خواستار شدند.

در ادامه، دکتر احمدی کمی‌توجهی تاریخی و ساختاری به علوم انسانی را از جمله مشکلاتی دانست که این علوم در کشور با آن مواجه هستند و تصریح کرد: تغییر نگاه‌ها و رویکردها در برنامه‌ریزی و تخصیص منابع نیازمند صرف انرژی و بها دادن به علوم انسانی است. وی همچنین ضرورت تخصیص بودجه ویژه برای حفاظت مناسب از آثار منحصر به فرد موجود در پژوهشگاه را مورد تأکید قرار داد و اظهار امیدواری کرد که در بودجه سال ۱۳۹۹ امکان تخصیص منابع لازم برای این کار فراهم آید.

نایب‌رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی جذب فرهیختگان و نخبگان در رشته‌های مختلف علوم انسانی را از جمله نقاط قوت پژوهشگاه دانست و از کم‌توجهی به مسائل این مؤسسه اظهار تأسف کرد و با تأکید بر ضرورت تقویت ارتباطات با اعضای کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، از دکتر قبادی دعوت کرد، طی جلسه‌ای در این کمیسیون برنامه‌ها، کارنامه و مسائل پژوهشگاه را ارائه کند.

در ابتدای این دیدار، دکتر احمدی لاشکی از آزمایشگاه زبان‌شناسی، پرتال جامع علوم انسانی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه بازدید کرد و توضیحات مسئولین این بخش‌ها را در خصوص ویژگی‌های آن شنید.



سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی

صبح روز سه شنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۸، سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی رسماً با سخنرانی دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس این کنگره آغاز شد. دکتر قبادی در شروع سخنانش ضمن عرض خیرمقدم به اعضای حاضر و میهمانان خارجی از دکتر مهدی گلشنی بنیان‌گذار مرکز تحقیقات امام علی (ع) در پژوهشگاه نیز تمجید و سخنانش را با این شعر حافظ ادامه داد:



در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد
دلفریبان نباتی همه زیور بستند
دلبر ماست که با حسن خداداد آمد
زیر بارند درختان که تعلق دارند
ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد
مطرب از گفته حافظ غزلی نغز بخوان
تا بگویم که ز عهد طربم یاد آمد
در ادامه دکتر قبادی با اشاره به ضرورت شناساندن ظرفیت امام علی (ع) به جهانیان با توجه به افزایش بی‌رویه خشونت‌ها به دنبال قرائت‌های جاهلانه از دین اسلام، تأکید کرد: امام علی (ع)، مصداق تام انسان کامل است. او نمونه‌ای اعلای شخصیت تربیت شده در دامان دین اسلام و تعالیم رسول گرامی، حضرت محمد بن عبدالمطلب است.

علی (ع) همراه پیامبر و پا به پای وی، در همین عالم ماده، مسیر سخت رسالت‌های دین جدید را پیمود. او قرآن را در حد کمال فهمید و معنا کرد. علی با عشق به قرآن و پیام وحیانی آن، خود را به اندازه و حد فهم از قرآن گستراند و تعالی بخشید و امروزه وظیفه ما نیز آن است که از علی سلوک فهم بیاموزیم، اهلیت و صلاحیت پیدا کنیم تا نوشته‌ها و گفته‌های امام علی (ع) با ما گفت‌وگو کنند.

دکتر قبادی ادامه داد: امام علی (ع) در تمام دوره مسئولیت خود همین‌گونه عمل کرد. در جنگ صفین به رأی عامه مردم گردن نهاد و از قدرت حکومت به عنوان «استدلال مافوق» استفاده نکرد! همچنین امام علی (ع) فرمود که: خداوند از عالمان و دانایان و دانشمندان پیمان گرفته که در برابر ظلم ظالمان و گرسنگی گرسنگان سکوت پیشه نکنند، و رأی مردم را نیز یک معیار می‌دانست:

لَوْلا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللهُ عَلَيَّ الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارَؤُا عَلَيَّ كِظْلَةَ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ... او مناسبات اجتماعی و قراردادهای مدنی را در چارچوب قراردادهای و مناسبات، حرمت می‌گذاشت و اخلاق، حقیقت و عدالت را فدای قدرت نمی‌کرد. و سرانجام نیز اخلاق و اولویت عدالت بر هر چیز دیگر، موجب کشته شدن قدرت (علی) شد. اما بیرون از چارچوب نظام اجتماعی، علی (ع) در ساحت فردی و ایمانی و دینی و علمی و اخلاقی و معنوی و الهی، «ترازی» داشت که پس از پیامبر (ص)، احدی بدان دست نیافت! با این همه او این مراتب فضل خود را اسباب تفوق و برتری در نظام اجتماعی قرار نداد.

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ: فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالتَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ، وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمُرُكُمْ.»
ای مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. اما حقوق شما بر من، دلسوزانه با شما رفتار کردن و رساندن حق و حقوق شما به دست شما از بیت‌المال و آموزش شما و پرورش و کارآموزی آن‌توانمندساختن همه جانبه [شماست. معلوم می‌شود که حقوق مردم اعانه دادن به آنان نیست بلکه رشد و توانمندسازی همه جانبه آنان است]

اما حقوق من بر شما، وفاداری است در پیمان، دلسوزی و همراهی در همه حال، پاسخگویی به فراخوانی‌های من و پذیرفتن اوامر و فرمان‌های من!

قبادی تأکید کرد: درس مهم این گفتار، به رسمیت شناختن حقوق مستقل شهروندی و احترام به شخصیت فرد فرد اعضای جامعه است. امام علی (ع) در روابط ویژه با نخبگان تراز اول رازهایی از گنجینه دانش خود می‌گشاید. از جمله: به کمیل بن زیاد النخعی فرمود:

ها أَنْ هَاهُنَا لِعِلْمًا جَمًّا (و أشارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ) لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً!

ای کمیل! اینجا (اشاره به سینه‌اش) علوم فراوانی انباشته است اگر برای آن، حاملانی می‌یافتیم! که نیافتیم! آشکار می‌کردم. و نیز فرمود:

«إِيهَا النَّاسُ، سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي! فَلَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنْنِي بِطُرُقِ الْأَرْضِ قَبْلَ أَنْ تَشْغَرَ بِرِجْلِهَا فَتَنَّهُ تَطَأُ فِي خَطْمِهَا وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا»

ای مردم از من بپرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید! من به راه‌های آسمانی داناتر از راه زمینی هستم! ... در عین حال او این علم را مایهٔ فخر و برتری نمی‌داند و در برابر علم، تاریخ و جامعه فروتن است و قوانین علمی و روال‌های اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد و خطاب به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «(أَيُّ بُنْيَ إِني وَ إِن لَمْ أَكُنْ عُمَرُو عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي - فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، وَ فَكَّرْتُ فِي أَعْبَارِهِمْ، وَ سِرْتُ فِي آثَارِهِمْ، حَتَّى عُدْتُ كَأَخَدِهِمْ، بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ ...) من تاریخ گذشته را به نحوی خواندم که گویی با آنان زندگی کردم ...» یا اینکه همین امام در جایی دیگر اشاره به اموری می‌فرمایند که در آینده رخ خواهد داد و آسمان آباستن آن امور است و علی (ع) آن امور را در متن «آینده»‌ها می‌بیند و می‌شناسد در حالی که اکثر مردم اسیر زمین هستند و غرق در مسایل جاری از خواسته‌ها و آرزوهای طول و دراز! این نوع دانش از ماهیتی شگفت‌انگیز نشأت می‌گیرد و در نهج البلاغه، مواضع فراوانی وجود دارد که دانش‌های اظهار شده در آن، رنگ و بوی دیگری دارد و گویی از انسان صادر نشده و ارمغانی آسمانی است! او از «ایمان»، تقوی، قرآن، تاریخ، بشر، انبیاء، آدم‌ها، جوامع، حکومت، و ... گونه‌ای سخن می‌گوید که برای شخص غیر پیامبر بی‌سابقه است. اکنون خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که جشنواره امام علی پژوهی به یک رخداد علمی و عینی در قالب کنگره تبدیل شده است، موضوع اصلی کنگره، پدیده صلح در اندیشه و سیره امام علی (ع) «بازخوانی گفتمان با رویکردی جهانی ناظر بر چالش‌های امروز و طرحی برای فردا» است، این مسأله نشانگر قدرت آینده‌نگرانه و انسانی امام علی (ع) و آثار جاودانه آن امام همام به شمار می‌آید. امام علی (ع) در نهج البلاغه دعوت کرده است که قرآن را به نطق در بیاوریم. یعنی قرآن چطور با ما حرف بزند؟ باید از این گفتار امام درس بگیریم که اهلیت، آمادگی، صلاحیت و ظرفیت پیدا کنیم تا همچنین امام علی (ع) با ما حرف بزند.

به نظر می‌رسد کلام امام علی (ع) را می‌توان به‌عنوان یک متن به شمار آورد؛ متنی که ساختار دارد، وجه معرفتی دارد، وجه اجتماعی دارد، وجه فرهنگی و ... دارد. پس حتماً مخاطب ویژه هم دارد. همانگونه که امام علی (ع) با کشف و تحلیل روشمند و عالمانه مسائل و چالش‌های امروز و عرضه آن به نهج البلاغه و دیگر آثار و معارف امام علی (ع) می‌توانیم پاسخ‌هایمان را پیدا کنیم که امیدوارم در سومین کنگره بین‌المللی امام علی پژوهی (ع) تا حدود زیادی براساس این اهداف گام برداریم.

در ادامه حجت‌الاسلام دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) و دبیر علمی شورای سیاستگذاری کنگره، ضمن ارائه گزارشی از روند برگزاری این کنگره، درخصوص اندیشه و

سلوک امام علی (ع) گفت: اندیشه و سلوک عملی امام علی (ع) به‌ویژه در دوره تصدی حکومت بر جامعه اسلامی حاوی نکات بی‌شمار و درس‌آموزی است که به‌عنوان یک منبع اجتهادی مستحکم برای همه مسلمانان قابل استفاده است. این منبع غنی علمی حتی برای غیرمسلمانان نیز قابل بهره‌برداری است. همهٔ محققان عرصه‌های علمی و نیز دولتمردانی که در جستجوی یک الگوی جامع حکومتی سالم و عدالت‌محور هستند می‌توانند از این



منبع پر محتوا توشه برگرفته و نیاز خود را تأمین کنند. در این جهت امام علی علیه السلام نقشی ممتاز و متفاوت از سایر رهبران دینی، انبیاء الهی و ائمه معصومین دارد. این امتیاز به دلیل فرصت حدود پنج ساله‌ای بود که بشریت توانست طعم شیرین عدالت را در دوره زعامت مولا علی (ع) بچشد و از یک مدل ناب حکومتی عدالت محور بهره جوید.

علم الهدی افزود: البته این سلوک و رفتار حکومتی، از ابعاد مختلفی قابل بررسی و استفاده است که از خلال قضاوت‌ها، عزل و نصب‌ها، تصمیم‌گیری‌های کلی و جزئی و جنگ‌های سه‌گانه به دست می‌آید. از جمله ابعاد مهمی که در اندیشه و رفتار ایشان جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است، نگاه و برخورد ایشان با مفهوم صلح است. این مفهوم همواره یکی از مفاهیمی است که در مکاتب مختلف فکری، دینی و غیر دینی مورد بحث و چالش بوده و خواهد بود. به‌ویژه در شرایط کنونی دنیای اسلام که هم در درون و هم در مواجهه با دیگر دولت‌ها و ادیان، با چالش‌های بزرگی روبرو می‌باشد.



با احساس این نیاز در شرایط حال حاضر جوامع اسلامی، مرکز تحقیقات امام علی (ع) در راستای انجام وظیفه پژوهشی و علمی خود، با هم‌اندیشی جمعی از صاحب‌نظران تصمیم گرفت سومین کنگره علمی امام علی (ع) پژوهی با موضوع فرهنگ صلح در سیره و اندیشه امام علی (ع) را در آبان‌ماه ۹۸ برگزار کند. این حرکت با تشکیل شورای سیاستگذاری کنگره با حضور اعضای حقیقی و حقوقی فعال در عرصه امام علی (ع) پژوهی آغاز شد. سپس جلسات کمیته علمی کنگره برگزار شد و طی این جلسات متعدد و طولانی، محورهای پنجگانه علمی همایش و نیز زیر محورهای مرتبط با آنها تعیین شد. با انجام فراخوان گسترده ملی و بین‌المللی، از

محققان و فعالان عرصه پژوهش خواسته شد، یافته‌های علمی خود را در قالب مقاله علمی مربوط به فرهنگ صلح در سیره و اندیشه امام علی در محورهای پنجگانه تعیین شده توسط کمیته علمی و زیر محورهای مرتبط با آنها به دبیرخانه کنگره ارسال شد.

وی توضیح داد: به دنبال این فراخوان صدها مقاله به دبیرخانه ارسال شد که پس از بررسی‌های اولیه حدود ۱۸۰ مقاله حائز شرایط علمی و مرتبط با محورهای کنگره شناخته شد. این مقالات جهت طی مراحل داوری و انتخاب نهائی با استمداد از ده‌ها داور علمی مورد ارزیابی و داوری قرار گرفت. در یک نگاه کلی، ۲۵ مقاله مربوط به اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های الجزایر، تونس، هندوستان، پاکستان، عراق، عمان، روسیه، بنگلادش، آذربایجان و افغانستان بوده و ۱۵۵ مقاله نیز متعلق به اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، تربیت مدرس، اصفهان، یزد، اهواز، تبریز، مشهد، سمنان، زاهدان، کرمانشاه، بین‌المللی قزوین، افسری امام علی (ع) است.

امید است این حرکت گسترده علمی که با استقبال غیر قابل انتظار اساتید، پژوهشگران و شخصیت‌های برجسته علمی ملی و بین‌المللی روبرو شده است، بتواند نسبت به تبیین شعاعی از اشعه وجودی امام علی (ع) در جوامع ملت‌های اسلامی موفق باشد و از این طریق توجه ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را به بهره‌گیری از الگوی ناب اسلامی در موضوع صلح جلب کند.

سپس آیت الله سیدجمال‌الدین دین‌پرور، رئیس بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه، به بیان ابعاد گوناگون شخصیت امام علی (ع) پرداخت و گفت: امام علی (ع) یک فرد فرامکانی و فرازمانی است. گمشده بزرگ و مشکل اساسی دنیای امروز نبودن انسانیت و کمرنگ شدن عدالت و خیرخواهی است. سیره و سخن حضرت علی (ع) دارای ابعاد گسترده‌ای است. بازخوانی فرهنگ و اندیشه علی (ع) باید در جامعه در افقی گسترده صورت بگیرد. یکی از نکته‌هایی که در کلام آن بزرگوار قابل توجه هست، مسئله صلح و امنیت اجتماعی می‌باشد. جامعه باید در پرتو صلح و آرامش زندگی کند. حضرت علی (ع) به مسئله محبت و دوستی اهمیت فراوان می‌دادند محبت و دوستی را بالاتر از صلح و امنیت

می دانستند، ایشان به کارگزاران خود در این رابطه سفارش فراوان می کردند. در موارد متعدد، نسبت به کسانی که دشمنی با ایشان داشتند و آنهایی که مخالف ایشان بودند هم حضرت تأکید محبت و دوستی را داشتند. طلحه و زبیر تصمیم گرفتند به سفر زیارتی بروند، به امام عرض کردند که یا علی ما می خواهیم به زیارت مشرف شویم. امام با اینکه از نیات درونی این دو نفر اطلاع داشت و می دانست که برای چه منظوری قصد سفر دارند به هیچ عنوان آنها را منع نکردند. از ایجاد مزاحمت و تهدیدهای آن دونفر هم نمی ترسید. ولی در دنیای امروز فردی که درصدد مخالفت باشد، با او مقابله می کنند. آن امام بزرگوار نامه های شکایتی را که از طرف مردمی که مسلمان نبودند را ملاحظه می کردند، با اینکه می دانستند این افراد مسلمان نیستند خیلی نمی توان از این افراد طرفداری کرد، ولی عقیده داشتند چون مسئولیتی بر عهده ایشان نهاده شده و این گروه جزء شهروندان جامعه هستند، شهروندان از حقوق شهروندی برخوردار هستند و باید به حقوق آنها احترام گذاشت. کار آنها باید به دقت انجام شود. صلح یکی از نقاط برجسته ای هست که در طول تاریخ وجود



دارد. به عنوان فرمانروای مطلق برگزیده شده است. اهمیت صلح در زمان فعلی هم مشهود است، ناظر صلح در جهان امروز «سازمان ملل» می باشد. جلساتی در زمینه صلح در جهان برگزار می شود، از نامه معروف حضرت علی (ع) خطاب مالک اشتر صحبت به میان می آید. در آخر برای اینکه جامعه به عدالت برسد باید از این سیره حضرت علی (ع) پیروی کرد.

دیگر سخنران این کنگره دکتر مهدی گلشنی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بود که به ایراد سخن در زمینه معرفی علامه جعفری پرداخت و بیان کرد: استاد جعفری از نوادر عصر ما بودند. ایشان جامع معقول و منقول و آزاد اندیش و به قول مقام معظم رهبری «علامه ذوالفنون» و از نظر اخلاقی فردی کم نظیر بودند. توده مردم

بیش از نخبگان حوزوی و دانشگاهی به علامه انس داشتند. ایشان در عرصه های زیادی وارد شدند، که چون این مجلس بخشی از همایش صلح و امام علی (ع) است، من ابتداء اشاره ای به کارهای علامه در مورد امیرالمؤمنین (ع) می کنم و سپس به برخی از خصوصیات نادر می پردازم. استاد جعفری شرحی مفصل بر نهج البلاغه نوشتند که در ۲۷ جلد چاپ شد و اخیراً مختصر شده آن توسط جناب آقای دکتر عبدالله نصری در ۱۰ جلد به چاپ رسید. در این کتاب به موارد مهمی از جمله «امام علی از نگاه مولوی» و «پیامبر از زبان امام علی» پرداخته شده است. علامه کتابی تحت عنوان «حکمت و اصول سیاسی اسلام» در تفسیر فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر نوشتند که در آن امام نصیحتی در مورد صلح با دشمن به مالک می کنند و او را از ریختن خون ها بدون مجوز شرعی بر حذر می دارند. - در این کتاب مقایسه ای میان فرمان امام به مالک اشتر و اعلامیه جهانی حقوق بشر می کنند و صفات مطلوبی را که یک زمامدار اسلامی باید واجد آنها باشد به تفصیل بر می شمردند و منافع صلح را بیان می کنند.

- علامه کتابی تحت عنوان «مقدمه ای بر اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام» دارند. در ضمن علامه جعفری از پیشگامان وحدت حوزه و دانشگاه بودند. ایشان قبل از انقلاب و بعد از انقلاب جلسات مرتبی با دانشگاهیان و افاضل دانشگاهی، از جمله مرحوم دکتر حسینی، مرحوم دکتر هشترودی، و دکتر فضل الله رضا داشتند که در آنها مسائل فلسفی علوم مطرح بود. ایشان در میان علمای کشورمان بیشترین رفت و آمد را با دانشگاهیان داشتند و بسیار مورد علاقه اساتید و دانشجویان مسلمان بودند. اگر این گونه برخورد با دانشگاهیان از طرف حوزویان ادامه یافته بود، این گونه شاهد جدائی دانشگاهیان از حوزویان نمی بودیم و حوزه بیشتر به اقتضائات زمان توجه می کرد. علامه مکاتبات و ملاقات های زیادی با دانشمندان غرب و مسلمان داشتند، که در آنها انواع و اقسام مسائل علمی و فلسفی مطرح بود. من خود شاهد ملاقات ایشان با پروفیسور عبدالسلام در تهران بودم. در آن جلسه ایشان برخی مسائل فلسفی چالش برانگیز فیزیک معاصر را مطرح کردند و نظر مرحوم عبدالسلام را در مورد آن پرسیدند و برخی مکاتبات خود با راسل را برای او مطرح کردند.



ایشان با دانشمندان برجسته‌ای نظیر برتراند راسل و روزه‌گارودی مکاتبه داشتند. علامه در بعضی کنفرانس‌های خارجی هم شرکت کردند. از جمله:

- کنفرانس علم و مذهب در سویس

- سمپوزیوم مقایسه فلسفه شرق و غرب در انگلستان

- سمینار حقوق جهانی بشر در فیلیپین (که در آن سخنرانی هم کردند)

این گونه تعاملات، ایشان را در معرض افکار مطرح در جهان قرار می‌داد.

گلشنی در ادامه به توجه علامه به اقتضائات زمان پرداخت و گفت: علامه جعفری از همان ابتدای تحصیل شان در نجف دغدغه آگاهی از مسائل مطرح در عصرمان را داشتند. لذا در نجف اشرف بهنگام تحصیل به مرجع عالیقدر سید عبدالله شیرازی ضرورت پرداختن به فلسفه و علوم انسانی جدید را که به دانشگاه‌ها سرازیر شده متذکر شدند. همچنین متذکر شدند که لازم است حوزه‌های علمیه به مسائل روز توجه کنند، به مسائل مستحدثه در فقه توجه نداشتند و به تخصصی شدن ابواب فقه هم توجه کنند. لذا خودشان به این امور پرداختند. ایشان در اوائل دهه ۱۳۳۰ از نجف به ایران بازگشتند و در همان اوائل بازگشت کتاب «ارتباط انسان و جهان» را در ۳ جلد منتشر کردند، کتابی که مملو از افکار فلاسفه و عالمان غربی بود. علامه فراگرفتن علوم جدید را جزو ضروریات می‌دانستند. در ضمن به دست آوردن اطلاعات لازم برای رفع نیازهای جهان اسلام را نیز لازم می‌دانستند. ایشان مطالعه طبیعت را یک وظیفه دینی می‌دانستند.

گلشنی در ادامه گفت: بر علوم تجربی معاصر یک تفکر پوزیتیویستی حاکم است که بر طبق آن فقط یافته‌های مبتنی بر حواس شان دارند و بنابر این جایی برای متافیزیک و خدا نیست. این تفکر از قرن نوزدهم حاکم گشت و تا نیمه اول قرن بیستم حاکم بود و هنوز هم در غرب و جهان اسلام تعداد زیادی از عالمان پیرو آن هستند، اما در دهه‌های اخیر برخی از بزرگان علم از آن برگشته‌اند و حتی آنرا مضرّ برای پیشرفت علم می‌دانند. ولی این نسیم مثبت متأسفانه هنوز به محیط ما نرسیده است و همچنان تفکر پوزیتیویستی بر اذهان غالب عامان ما حاکم است. اما علامه خطر این تفکر را متذکر شدند و جزو اولین عالمانی بودند که صریحاً در مورد آن روشنگری کردند.

بعد از حاکم شدن تفکر پوزیتیویستی بر محیط‌های علمی، عالمان فلسفه را کنار گذاشتند و گاهی خصمانه به آن نگاه کردند، نگاهی که حتی الان در محیط‌های علمی ما حاکم است. اما بعد از آنکه معلوم شد عالمان چه بخواهند و چه نخواهند، دانسته ندانسته بعضی اصول فلسفی را در علم شان به کار می‌برند، نزد نخبگان ورق برگشته است و در بعضی دانشگاه‌های مهم جهان، نظیر ییل و کرنل در آمریکا و کمبریج و آکسفورد در انگلیس مجامعی از عالمان و فیلسوفان تشکیل شده است که مشترکاً به مسائل بنیادی فیزیکی و کیهان‌شناسی بپردازند.

اما علامه بیش از نیم قرن پیش به نقش مهم اصول فلسفی در علوم تجربی توجه کردند و در بعضی از نوشتارهایشان وارد در بحث بعضی از مسائل مهم فلسفی علوم و چالش‌های آنها که بعضاً متعرض دین بودند، شدند و مشکلات آنها را بر ملا ساختند. ایشان توجه به این را که علم پاسخگوی سؤالات بنیادی انسان نیست، سؤالاتی از قبیل اینکه انسان بداند از کجا آمده است؟ به کجا خواهد رفت، و رسالت او در این جهان چیست را حیات معقول نامیدند که در آن علم و دین و فلسفه جمع می‌شوند. ایشان علم و دین و فلسفه را ارکان حیات معقول نامیدند. از نظر علامه تنها یک جهان بینی جامع نگر می‌تواند پاسخگو باشد و این دین است که با ارائه یک جهان بینی جامع نگر ما را یاری می‌دهد. ایشان متذکر شدند که علم نمی‌تواند حتی به برخی از سؤالات مطرح در خود علم پاسخگو باشد، مثلاً چرا ما جهان را می‌فهمیم. لذا جان بارو، فیزیکدان برجسته انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج، می‌گوید:

«ایده یک جهان قانون مند، با نظمی که قابل فهم و اتکاء است، صرفاً از اعتقادات دینی در باره سرشت خداوند نشأت می‌گیرد.» علامه در جهت نشان دادن محدودیت‌های علم در شناخت واقعیات، سؤالات زیادی را مطرح کردند، که انتظار نداریم علم تجربی پاسخگوی آنها باشد. به طور خلاصه، علامه ذوالفنون استاد محمدتقی جعفری عالمی بودند آگاه به مقتضیات زمان و پیشرو در وحدت حوزه و دانشگاه که به هر سه حوزه علم و دین و فلسفه توجه داشتند و آنها را وسیله رساندن انسان به یک حیات معقول می‌دانستند.

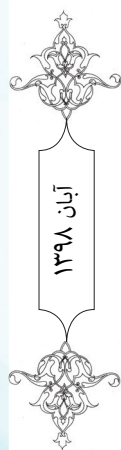
این مراسم با اعطای لوح و تندیس جایزه جهانی امام علی (ع) و همچنین هدیه نقدی به برگزیدگان کنگره به اسامی زیر ادامه یافت:



برگزیدگان داخلی:
 * عباسعلی اخوان ارمکی
 * محمدمیر احمدزاده
 * حسن حقی
 * ولی الله عباسی
 * محمدمهدی عباسی
 * فاطمه نامور
 * محمدرضا کلان فریبایی



برگزیدگان خارجی:
 * المسیلینی - سید زهیر از تونس
 * تبسم - سادیا از پاکستان
 * خالف - اسمهان از الجزایر



سپس میزگردی با حضور برگزیدگان کنگره برگزار شد که به ارائه مقالات خود پرداختند. در پایان مراسم نوبت صبح از شایستگان قدردانی به اسامی زیر با اهدا لوح و یک جلد نهج البلاغه تجلیل به عمل آمد:

شایستگان تقدیر داخلی

- * محمدهادی امین ناجی
- * سیدمحمد میردامادی
- * عیسی ملاشاهی زارع
- * معصومه ایزدی
- * اصغر اکبری پورکانی
- * مهدی تقوی رفسنجانی
- * سمیه خاتمی سبزواری
- * سیدجواد خاتمی
- * علی دلشاد نداد
- * دانیال رضا پور
- * علیرضا رحیمی
- * لیلا کربلایی حاجی
- * سیدهادی زرقانی
- * مهدی زینالزاده
- * محمود شفیعی
- * فریبا عزیززاده طوسی
- * سیده فاطمه زارع حسینی
- * سیدعبدالمجید مبلغی
- * سالم محسنی
- * مریم هاشمی

شایستگان تقدیر خارجی

- * الزوینی حسینی - عمار از عراق
- * حکیم - نسرین از عراق
- * بشوی محمد یعقوب
- * بیظام - سمیره از الجزایر
- * مشتاق - محمداحمد از پاکستان
- * مهدی شاکر الجراح - خوله از عراق
- * وسیم - محمدشاه از هندوستان

کنگره در نوبت بعداظهر با برگزاری دو میزگرد شایستگان قدردانی ادامه یافت که نامبردگان به ارائه مقاله خود پرداختند.





آبان ۱۳۹۸



دکتر قبادی در گفتگو با خبرگزاری ایکننا:

کنگره امام علی(ع) پژوهی به منزله دیپلماسی عمومی و علمی است

گروه اندیشه خبرگزاری ایکننا به مناسبت برگزاری کنگره بین‌المللی امام علی پژوهی با دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گفتگویی داشت که در ادامه از نظرتان می‌گذرد.



آین ۱۳۹۸

دکتر قبادی در ابتدا به ارائه توضیحاتی در مورد کنگره بین‌المللی امام علی پژوهی پرداخت و بیان کرد: اکنون این کنگره کار یک دیپلماسی عمومی و علمی را انجام می‌دهد تا نشان دهد که پیروان امام علی(ع) هرگز به دنبال خشونت و کشتار نیستند، بلکه روح تعالیم امام علی(ع) مبتنی بر سعادت انسان و صلح است. وی سپس با اشاره به اهداف برگزاری این همایش بیان کرد: یکی از محورهایی که در چارچوب برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پیش‌بینی شده است، تقویت رویکرد بازآفرینی میراث‌های ایرانی و اسلامی در حوزه‌های گوناگون اعم از حوزه‌های فرهنگی، تاریخی، زبانی، ادبی، فلسفی و حکمی است که در صدیم ببینیم مجموعه میراث ما چه پیامی برای جهان امروز می‌تواند داشته باشد. قبادی در ادامه تصریح کرد: این رویکرد در مرکز اسناد آسیا و نیز در پژوهشکده‌های ما پیگیری می‌شود. همچنین با همکاری معتبرترین دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی دنیا توانسته‌ایم تاکنون کنفرانس‌هایی داشته باشیم. برای نمونه می‌توانم به کنفرانس مشترکات فرهنگی ایران و هند اشاره کنم که سال گذشته با همکاری دولت و سفارت هند برگزار کردیم.

قبادی در ادامه گفت: یکی از ظرفیت‌هایی که در پژوهشگاه علوم انسانی داریم، مرکزی با عنوان «امام علی(ع)» است. در چند سال اخیر سعی کرده‌ایم کنگره‌های دوسالانه را با موضوعاتی که جاذبه جهانی داشته باشد انتخاب کنیم. البته این کار باید همراه با نوآوری باشد. مراکز مختلف اقداماتی را در این زمینه انجام می‌دهند که به صورت آئینی پیگیری می‌شود، اما هدف ما این است که به عنوان یک مرکز



آکادمیک و علمی بتوانیم کاری متمایز و نوآورانه را انجام دهیم.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: در چارچوب برنامه توسعه پژوهشگاه در کنگره‌ای که دو سال قبل برگزار شد به بررسی جنبه‌های انسانی سیره امام علی(ع) پرداختیم؛ از جمله نکات جالب توجه این کنفرانس نیز این بود که برخی از دانشمندان مسیحی و حتی یک اسقف در این مراسم شرکت کردند و از کشورهای گوناگون مقالاتی را دریافت کردیم؛ چراکه امام علی(ع) شخصیتی است که سیره و سخنان ایشان جاذبه جهانی دارد، چنانکه جرق جرداق مسیحی نیز کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» را نوشتند و این نشان می‌دهد که بارقه‌هایی از نور دیده‌اند که چنین اقداماتی انجام شده است. بنابراین اندیشمندان غیرشیعه و حتی غیرمسلمان به امام علی(ع) اقتدا کرده‌اند.

دکتر قبادی افزود: امسال نیز با توجه به طوفان خشونت‌ها و تلاطم خونریزی‌هایی که متأسفانه به نام اسلام افرادی مانند داعش به وجود آوردند، بر آن شدیم که جنبه‌های عظمت‌بخش انسانی و جهانی امام علی(ع) را در این مرکز پیگیری کنیم و اکنون نیز در آستانه کنگره سوم قرار داریم که استقبال خوبی از آن شده است و از کشورهای الجزایر، تونس، هند، پاکستان، عراق، روسیه، افغانستان، بنگلادش و آذربایجان مقالاتشان را به دبیرخانه ارسال کرده‌اند. حتی برخی از مهمانان خارجی قرار است که با خرج خودشان در این کنفرانس حضور یابند. البته که برخی از آنان شیعه هم نیستند و فقط به عشق امام علی(ع) قرار است که به این کنگره بیایند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: متأسفانه در جهان شاهد این هستیم که روح رحمت اسلامی فهم نمی‌شود و همه کشتارها ناشی از این است که از ویژگی‌های اصلی پیامبر رحمت(ص) دور شده‌اند؛ لذا خوب است که به امام علی(ع) به عنوان تربیت شده رسول خدا(ص) توجه کنیم و دیدگاه‌های ایشان را مورد بازخوانی قرار دهیم. چه اینکه امام(ع) همواره سیره و سلوکتان بر مدارا بوده و حتی با قضیه قاتل خود نیز این چنین برخورد کردند و جناب شهریار به بهترین وجه آن را بیان کرده‌اند: «چو اسیر تو است اکنون به اسیر کن مدارا». بنابراین درصددیم که در این کنفرانس چنین جنبه‌هایی از سیره امام علی(ع) را ارائه کنیم.

قبادی بیان کرد: از دیگر فواید ضمنی این کنگره این است که می‌توان برای نسل‌های آینده فرهنگ‌سازی کرد، چه اینکه آنها در معرض هجوم انواع شبهات هستند و امام علی(ع) می‌تواند بهترین الگو برای آنان محسوب شود.

وی با اشاره به نحوه انعکاس این رویداد بین‌المللی اظهار کرد: از ابتدا تمام نهادهای دست‌اندرکار را، که به هر نحوی می‌توانند از نظر علمی کمک کنند، دعوت کرده‌ایم و در شورای سیاست‌گذاری و کمیته علمی میزبان کسانی بودیم که از شهرهایی مانند شیراز، قم و تهران و دانشگاه‌های مختلف مشارکت داشتند. همچنین یک بانک اطلاعاتی امام علی پژوهان داریم که جزئیات کنگره را به اطلاع همه رسانه‌ایم و از اصحاب رسانه نیز دعوت شده است.

قبادی در پاسخ به این پرسش که چقدر به اهداف خود رسیده‌اید؟ گفت: هرچقدر که زمان می‌گذرد بیشتر متوجه می‌شویم که به موضوع دقیقی پرداخته‌ایم و این کنگره کار یک دیپلماسی عمومی و علمی را انجام می‌دهد تا نشان دهد که پیروان امام علی(ع) هرگز به دنبال خشونت و کشتار و ... نیستند، بلکه روح تعالیم امام علی(ع) مبتنی بر سعادت انسان‌ها و صلح و مداراست. فکر می‌کنم که بدون اغراق به اهدافی که تعیین کرده‌ایم رسیده‌ایم. پیام این کنگره این است که بگوییم با خشونت نمی‌توان اسلام را معرفی یا از آن دفاع کرد.

وی با اشاره به آمار مقالات این کنفرانس تصریح کرد: مجموعاً ۱۸۰ مقاله دریافت کردیم که از این تعداد ۱۲۶ مقاله برای داوری ارسال شد. در مجموع ۲۷ مقاله برگزیده شد که در این میان ۵ مقاله برگزیده داخلی و ۳ مقاله برگزیده خارجی هستند. همچنین ۱۳ مقاله داخلی و ۶ مقاله خارجی نیز جزو مقالات شایسته تقدیر هستند.



مواجهه رسانه‌ای با مسأله ایدز در ایران

روز چهارشنبه مورخ ۱ آبانماه ۹۸ دومین نشست از سلسله نشست‌های ارتباطات، رسانه و سلامت؛ تجربه‌های جهانی، درس‌های ایرانی با عنوان «مواجهه رسانه ای با مسأله ایدز در ایران» با سخنرانی دکتر سیده زهرا اجاق، رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دکتر داود مهرابی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و همچنین دکتر فرداد درودی، مدیر کشوری دفتر برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز در ایران با حضور پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



در ابتدای نشست دکتر اجاق با مرور بر اخبار و روایت‌های منتشر شده در رسانه‌های سنتی و نوین درباره رویداد ایدز در روستای چنار محمودی به مشکلات انتقال اطلاعات تخصصی نادرست و متناقض و نقض حق گمنامی مبتلایان و پیامدهای حاصل از آن برای اهالی روستا تمرکز کرد و گفت: اپیدمی ایدز همان قدر که زیستی پزشکی است، فرهنگی و زبانی هم هست و اپیدمی فقر فهم ایدز در قضیه اخیر موجب نقض حق اساسی گمنامی بیمارانی شد که از این حق ناآگاه بودند و گسترش ناامنی روانی و بی اعتمادی به نهادهای اجتماعی در کل جامعه شد. با توجه به رابطه مثبت بین فهم عمومی از ایدز HIV و نگرش‌های تبعیض آمیز نسبت به مبتلایان نیاز به آموزش روزنامه‌نگاران برای نحوه عمل در چنین شرایطی و آموزش عمومی به همه مردم درباره این بیماری و حقوق مبتلایان را ضرورتی الزامی برشمرد. به زعم این پژوهشگر ارتباطات، این اقدام موجب کاستن از میران ننگ و انگ اجتماعی این بیماری و مبتلایان شده و رسانه را به رسانه‌ای مسئول در این حوزه تبدیل می‌کند. از نظر اجاق پاسخ فرهنگی به ایدز عبارتست از تلاش برای ترجمه آن به روایات آشنا و قابل فهم برای عموم. او با تحلیل مدل روایتگری رسانه‌ها در موضوع اخیر، چهار ویژگی برای دانش عمومی تولید شده در این باره در رسانه‌ها برشمرد: احساساتی، بی‌حرمتی، نقض حقوق اساسی بیماران، عدم دروازه‌بانی. نتیجه این نوع مواجهه رسانه‌ای در بهترین حالت ارائه آمار، عذرخواهی و سکوت بوده است و نتوانست موضوع این بیماری را به عنصر تفکر، درک و تجربه شخصی یکایک ما بدل سازد و عقلانیت اجتماعی باز هم ظهور نکرد؛ بلکه سلسله مراتب عقلانیت همچنان محفوظ ماند و مجموعه جامعه ما به جای این که یک قدم به جلو بردارد تا در رخداد مشابه در آینده عملکرد بهتری داشته باشد، پس از طی یک دوره عاطفی‌گری به همان سازماندهی‌های قبل بازگشت. این در حالی است که از نظر اجاق آگاهی و کنشگری اجتماعی حاصل جمع اقدام و همکاری و هم‌آفرینی عقلانیت اجتماعی و عقلانیت علمی توأم با یکدیگر است.

سپس دکتر فرداد درودی در زمینه ایدز در ایران به گفتگو پرداخت. او مشکل رخداده در روستای چنار محمودی را تماماً ارتباطاتی نامید و گفت: تمام ارتباطات داخلی، خارجی، بالا - پایین یا برعکس همه مخدوش بودند. به باور درودی مسئولین بهداشت باید بتوانند خبرها را ردیابی کنند و برای جریان‌های رسانه‌ای آمادگی داشته باشند اما در واقعه اخیر چنین چیزی رخ نداد. حتی نتوانست با هم‌تایان خود ارتباط برقرار کند. وزرات بهداشت نمی‌دانست باید

با همتایان خود هم ارتباط مؤثری داشته باشد و از اقدامات بهداشتی نامناسب به عنوان advocacy برای سیاست استفاده کند. درباره موضوع بحث ما متخصصان بهداشت عمومی هر چهار استراتژی ممکن را در برابر رسانه اخذ کردند: پنهان کاری، عدم پذیرش مسئولیت و سد کردن راه ارتباط، ادعای انجام وظایف قانونی، حل مسأله و درست کردن اتفاق..

وی در ادامه به توضیح مباحث فنی درباره بیماری ایدز، روش‌های تشخیص آن و رابطه پزشک با مبتلایان پرداخت و نتیجه گرفت که در رخداد اخیر مجموعه بهداشت در ارتباط با همگنان و افراد خارج از مجموعه بهداشت خیلی ضعیف عمل کرد و نیاز به بازنگری آموزش را جدی دانست. همچنین او از متخصصان ارتباطات و رسانه‌ها درخواست کرد که چاره‌ای بیندیشند تا روستای چنار محمودی در اذهان عمومی برابر با ایدز تلقی نشود. در ادامه نشست دکتر مهربانی گفت: مقابله با چالش‌های اجتماعی ایدز نیازمند همکاری‌های بین‌بخشی است و رسانه‌ها نقش مهمی در این فرایند بر عهده دارند. بر اساس این نقش تأثیرگذار رسانه‌ها که با ظهور رسانه‌های اجتماعی نیز بر اثرگذاری آنها افزوده شده است، مسئله چنار محمودی فرصتی برای ارزیابی عملکرد رسانه‌ها در مقابل این موضوع است تا با درس گرفتن از آنچه روی داده، آگاهی خود را برای مدیریت بحران‌های احتمالی سلامت در آینده تقویت کنیم. محورهای فرهنگی - اجتماعی اخبار منتشر شده، محورهای رسانه‌ای و اطلاع رسانی، تکذیب‌های انجام شده، ضرورت انجام اقدامات فوری / اقدامات انجام شده، مباحث مرتبط به اچ.آی.وی به صورت کلی، خواسته‌های مردم / نمایندگان مردم (مجلس)، و مقامات / مسئولانی که در خصوص مسئله چنار محمودی منبع اخبار و گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها بودند، در این بررسی مقایسه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. مطالب منتشر شده در شبکه اجتماعی اینستاگرام نیز در سه قالب شامل (۱) برگرفته شده از منابع خبری دیگر (بازتاب)، (۲) اطلاع رسانی، و (۳) اظهار نظر شخصی مورد بررسی قرار گرفتند و موضع‌گیری برجسته در هر یک از این سه قالب بر اساس مطالب و اخبار منتشر شده در اینستاگرام استخراج شد. مهربانی پس از ارائه داده‌های گردآوری شده از منابع مورد مطالعه، بیان کرد: حفظ محرمانگی اطلاعات، حفظ حرمت و آرامش مردم، عذرخواهی از مردم به دلیل توهین‌های احتمالی، غرض‌ورزی و شیطنت در تفسیر عبارت «روابط نامطلوب» با عنوان «روابط نامشروع»، توصیه به مردم جهت حفظ خویشتن‌داری و آرامش مردم، و نگرانی از انگ و برجسب ناشی از اچ.آی.وی را از جمله محورهای فرهنگی - اجتماعی دانست که در اخبار خبرگزاری‌ها پوشش داده شده‌اند. تأکید بر پیگیری اخبار از رسانه‌های رسمی، عدم توجه به شایعات فضای مجازی، عدم توجه به شایعات و اخبار کذب، نقش رسانه‌های بیگانه در تشویش اذهان عمومی، بزرگ‌نمایی موضوع ابتلا در فضای مجازی، شایعه‌پراکنی رسانه‌های زرد با هدف تخریب سیستم بهداشت و درمان، و کذب و اغراق آمیز دانستن خبرهای منتشر شده در فضای مجازی نیاز مطالب برجسته شده مرتبط با رسانه است که از سوی مقامات و مسئولان بیان شده‌اند. استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بر اساس نتایج این مقایسه مقدماتی، تشکیل یک تیم رسانه‌ای مرکب از اعضای وزارت بهداشت، روزنامه‌نگاران سلامت، نهادهای رسمی مربوطه، نهادهای تخصصی، و نهادهای مردمی را نخستین گام در مدیریت بحران‌های سلامت را ضروری دانست. تعیین منبع انتشار اخبار مربوطه (در سطح فردی و سازمانی) و انتشار مطالب ضروری، تشکیل کانال خبری و اطلاع‌رسانی در فضای مجازی، و انجام اقدامات اولیه و تعیین چشم‌انداز زمانی برای پاسخگویی به پرسش‌های ذهنی مخاطب از دیگر گام‌های ضروری در فرایند مدیریت بحران‌ها است.



الهامات قدسی اربعین حسینی، سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع)

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل با همکاری بسیج پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دوشنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۹۸ نشست علمی «الهامات قدسی اربعین حسینی، سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع)» را با سخنرانی دکتر محمدعلی فتح‌الهی، دکتر عبدالمجید مبلغی و حجت الاسلام والمسلمین داود مهدوی‌زادگان برگزار کرد.



دکتر محمدعلی فتح‌الهی، رئیس پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در این نشست پس از عرض تسلیت به مناسبت در پیش بودن اربعین حسینی، سخنان خود را با حدیثی از پیامبر (ص) آغاز کردند: قال رسول الله صل الله علیه و آله و سلم: من اخلص لله اربعین صباحا جرت بناييع الحکمه من قلبه علی لسانه (سفینه‌البحار، مادش خلص)

وی گفت: در روایت وارد شده است که رسول گرامی اسلام فرمودند، هر کسی چهل صباح خود را برای خدا خالص کند، خداوند چشمه‌های معرفت و حکمت را از قلب او به زبان و لسانش جاری می‌کند. استفاده می‌شود که برقراری ارتباط بین قلب و زبان و اینکه مکنونات قلبی و باطن انسان به ظهور برسد و در ظاهر ارائه شود و ارتباطی بین باطن و ظاهر برقرار شود، نیازمند چهل روز اخلاص است. امری نیست که به‌طور دفعی صورت بگیرد و نیازمند زمان و تدریج است تا چنین اتفاق بزرگی رخ دهد. اربعین، آن چیزی را که در قلب قرار دارد؛ زبانی می‌کند و به ظهور می‌رساند و به تعبیر دیگر سرمایه معنوی را تبدیل به فرهنگ می‌کند..

فتح‌الهی افزود: از این حدیث می‌توان استفاده کرد که برای تبدیل شدن سرمایه‌های معنوی به فرهنگ و تثبیت اجتماعی آنها به یک بازه زمانی نیاز است و ضرورت دارد تا فرایندی چون همان اخلاص چهل روزه طی شود. گاهی اوقات سرمایه‌های معنوی جامعه نمی‌توانند خود را در فرهنگ زندگی روزمره نشان دهند و به فرهنگ تبدیل شوند. البته اینکه سرمایه‌ای بخواهد به فرهنگ تبدیل شود، به سادگی ممکن نیست و برخی جوامع نمی‌توانند در این مسئله موفق شوند. سرمایه عظیم قدسی و معنوی عاشورا که در واقع خلاصه اسلام و پیام‌الهی برای بشریت است، نیز اگر بخواهد به فرهنگ زندگی روزمره تبدیل شود، نیازمند اربعین است. برقرار شدن این ارتباط و فرهنگ شدن عاشورا، یک اربعین لازم دارد.

وی گفت: بعد از چهل روز که از واقعه عاشورا گذشت، اهل بیت (ع) برگشتند و اولین زیارت روز اربعین را انجام دادند و در حقیقت سنگ بنای فرهنگ دینی و اسلامی را برای همیشه بنا نهادند. چهل روز پرمصیبت، طاقت‌فرسا و مخلصانه‌ای که بر اهل بیت (ع) گذشت؛ در واقع آن روزهایی بود که فرهنگ شدن تدریجی عاشورا را بنیان گذاشت. اگر این چهل روز نبود، شاید نمی‌شد آن اتفاق عظیم عاشورا را با زندگی روزمره مربوط و با آن ارتباط برقرار کرد. عظمت حادثه به قدری زیاد است که توجه به عمق مصائب عاشورا، درک دقیق حقیقت آن و برقراری ارتباط همه‌جانبه با آن را دست‌نیافتنی و خارج از حدّ تحمل می‌کند. صرف شنیدن برخی از آن وقایع هم برای انسان غیرقابل تحمل است. حال چنین واقعه عظیمی، چگونه می‌تواند به گونه یک فرهنگ در زندگی انسان‌ها

وارد شود و انسان‌ها بتوانند در زندگی روزمره خود با آن ارتباط بگیرند؟ حتی یکی از آن مصیبت‌ها بر هر فردی فرود آید، ممکن است نتواند به زندگی‌اش ادامه دهد. اما خاندان امام حسین علیه السلام و بازماندگان شهدای کربلا، نه تنها بطور معجزه‌آسا زنده ماندند؛ بلکه توانستند پس از طی دوران سخت اسارت به کربلا برگردند و به زیارت اربعین موفق شوند. البته شاید سختی‌های دوران اسارت و بویژه ساعت‌های بعد از شهادت امام حسین(ع)، که به خیمه‌ها حمله شد و به آتش کشیده شد؛ باعث شده بود که توجه آنها از تمرکز و تعمق بر مصائب عاشورا منصرف شود و به این ترتیب امکان ادامه حیات پس از عاشورا را داشته باشند. از لحاظ روانی کمک کرد تا واقعه عاشورا را تحمل کنند. والا اگر دشمنان مجال گریه و عزاداری به اهل بیت می‌دادند؛ طبیعی بود که آنها از غصه قالب تهی کنند.

وقتی از امام سجاد(ع) سؤال شد که کدام مصیبت بیشتر بود؛ مصیبت شام را ذکر کردند. این قول نشان می‌دهد که آن مصیبت‌های سخت، توان تحمل عاشورا را به اهل بیت(ع) داده است. به هر حال گذشت زمان، تحمل مصیبت عظیم عاشورا را ممکن کرد. بعد از چهل روز که قافله اسراء به کربلا مراجعت کرد؛ زیارت و عزاداری کردند که توأم با تدوام زندگی بود و از بحران روحی اولیه پس از عاشورا عبور شده بود. اتصال و ارتباطی با عاشورا و امام حسین علیه السلام پیدا و با این برقراری نسبت، مسیر زندگی آینده خود را تنظیم و پیدا می‌کردند و فرهنگ عاشورا شکل می‌گرفت. الگویی شدند که می‌توان با بزرگترین سرمایه قدسی عالم که همه حقیقت قدسی و همه عالم قدس را در خود دارد، ارتباط گرفت و این ارتباط به گونه‌ای باشد که هم زندگی کرد و هم عاشورایی زندگی کرد. زیارت اربعین، ساختار تحقق زندگی عاشورایی است. چشمه جوشان عاشورا به واسطه اربعین با زندگی روزمره ارتباط برقرار می‌کند و تبدیل به فرهنگ زندگی می‌شود. کربلا و عاشورای امام حسین علیه السلام که قلب عالم هستی است، پس از چهل روز سخت مخلصانه، به زبان فرهنگ زندگی روزمره انسان‌ها جاری و ظاهر می‌شود و حدیث نبی گرامی اسلام (ص) را معنی می‌بخشد.

در ادامه عبدالمجید مبلغی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: اگر به اربعین به مثابه آغاز پاسداشت کربلا نگاه کنیم، بی‌راه نرفته‌ایم. از زمانی که به نقلی جابر بن عبدالله انصاری یا به نقل دیگر اهل بیت(ع) و یا هر دوی ایشان در اربعین به کربلا می‌رسند، اربعین جایگاه خود را به مثابه نقطه مرکزی پاسداشت کربلا و حادثه عاشورا تثبیت کرده است. اربعین به مثابه نقطه کانونی پاسداشت کربلا در این سال‌ها بسامد گسترده‌ای پیدا کرده و به بزرگترین اجتماع مذهبی جهان تبدیل شده است؛ از این روی مناسب است تا اربعین در ارتباط با پاسداشت مفهوم کربلا فهمیده شود.

مبلغی با تأکید بر اینکه اگر بخواهیم به پاسداشت کربلا بپردازیم، باید درکی از خود کربلا و حادثه عاشورا و آنچه پی و پس این اتفاق بوده است حاصل آوریم، اظهار کرد: باید تلاش کنیم و ببینیم در عاشورا چه امکانی نهفته بود که این حادثه را تا این حد مهم و پربسامد کرد. عاشورا، صرف نظر از دغدغه‌ای که ما شیعیان در فهم و رویکرد به آن داریم، به لحاظ تاریخی حادثه بسیار مهم و بزرگی است. به بی‌راهه نرفته‌ایم اگر از این حادثه مهم تاریخی به عنوان کاتالیزور تاریخ اسلام یاد کنیم. به باور من ۳۰ سال نخست اسلام را می‌توان تا حدی با مراجعه به ساختار قبیله‌گرایی پیش از آن فهمید، و ۳۰ سال دوم اسلام را با مراجعه به حوادث سی سال نخست می‌توان تا حدی تحلیل کرد. نقطه ثقل و مرکز تحول پس از این سی سال، و متأثر از تحولات این سی سال، حادثه عاشورا است. به این ترتیب بروز و ظهور عاشورا را باید در ارتباط با ۳۰ سال قبل از عاشورا فهمید؛ هم چنان که حوادث بعد از عاشورا نیز بدون فهم عاشورا فهمیده نمی‌شود.

وی افزود: این نکته را از منظر کسی می‌گوییم که، علاوه بر علائق درون مذهبی، نگاه تاریخ‌نگارانه و فرامذهبی نیز به این حادثه دارد. عاشورا حادثه بسیار مهمی است و به مثابه یک اتفاق تسریع‌بخش در تاریخ اسلام نخستین و تاریخ نخستین اسلام عمل کرده است. اما سؤال اینجاست که چرا اربعین و عاشورا این قدر اهمیت پیدا کرده است؟ چرا هویت خود را مدیون عاشورا هستیم؟

وی در ادامه تصریح کرد: حکومت یزید حدوداً چهار سال (از ۶۰ تا ۶۴) طول کشید. تقریباً یزید هر سال یک نبرد و مبارزه فاجعه بار و دهشت‌انگیز را در کارنامه خود ثبت کرد. وی سه جنگ اصلی را به راه می‌اندازد که نخستین مورد آن کربلا بود و در ادامه نیز مدینه را اشغال کرد و سپس خانه خدا، کعبه، را در مکه به آتش کشید. چرا در این دوران محدود، شاهد این همه نزاع هستیم؟ و کارکرد عاشورا در شکل‌بخشی به منطق حوادث و سرشت روابط در این دوران چگونه بوده است؟ اگر به ابتدای حکومت یزید نگاه کنید، می‌بینید چهره‌های مهم آن دوران مانند امام حسین(ع) و یا عبدالله بن زبیر در صدر افرادی بودند که هیچ کدام حکومت یزید را قبول نداشتند. نکته این است که رویکردی که امام حسین(ع) اتخاذ کرد، سبب شد که تمام این مخالفت‌ها با یزید ترجمه‌ای شیعی پیدا کند.

مبلغی بیان کرد: از جمله عللی که یزید را قبول نداشتند این بود که نزاع‌های بعد از قتل عثمان مانند آتش زیر خاکستر بود. مهارت‌های معاویه سبب شده بود که این نزاع‌ها به تعویق افتد؛ اما در نهایت این نزاع‌ها اتفاق



افتاد. یکی از آن‌ها، نزاعی بود که مبنایش بازگشت اقتدار به خاندان اهل بیت (ع) بود. مبنای این نزاع نگرش انتقادی شیعیان به چگونگی تخصیص قدرت پس از وفات آن حضرت (ص) بود. شیعه مسئله خلافت و امامت را امری قدسی و محصول نصب الهی می‌دانست؛ اما جالب آن که اگر پیامبر (ص) نفرموده بودند که باید حکومت به علی (ع) برسد نیز از منظر امکانات و ساختار قبائل بنی‌هاشم یگانه گروهی بودند که در فرایندی طبیعی، و نه آن گونه که در سقیفه شکل گرفت، حائز اقتدار می‌شد. به این ترتیب توان و انتظاری واقعی و موثر در جامعه برای بازگشت خلافت به خاندان پیامبر (ص) وجود داشت و یک نزاع مربوط به بحث بازگشت اقتدار به خاندان اهل بیت (ع) بود؛ خاندانی که در رأس آنها بنی‌هاشم و در راس بنی‌هاشم امام علی (ع) قرار داشت.

وی در معرفی رویکرد دوم افزود: نزاع دیگر، تلاش می‌کرد که اقتدار را به میراث شیخین برگرداند؛ میراثی که بر خلاف نگرش شیعی، درک قبایله‌گرایانه از روابط داشت و گمان می‌کرد نقطه طلایی زمان شیخین بوده است. از منظر این رویکرد در پی قتل عثمان و تحولات پس از آن (از جمله شکل‌گیری مجموعه گسترده‌ای از جنگ‌های داخلی) مشکلاتی به وجود آمده است؛ لذا این گروه معتقد بود که باید به «دوران طلایی» بازگشت. فرزند زبیر، عبدالله، نماد این رویکرد است. در نهایت رویکرد سومی نیز در کار بود؛ این رویکرد بیانگر سطح مؤثری از سرخوردگی اجتماعی بود و از اشکال نظم مستقر اعم از (اموی) و آل‌ترتیب (شیعی و شیخین) گریزان بود و هیچ یک از اینها را بر نمی‌تافت. این گروه خوارج بودند.

مبلغی تصریح کرد: زمانی که یزید به خلافت رسید، نمایندگان هر سه این گرایش‌ها در فضای عدم تداوم هژمونی معاویه، مخالفت با یزید را آغاز می‌کنند، اما نکته مهم اینک شهادت امام حسین (ع) منجر به آن شد که توان مخالفت در جامعه فراتر از گروه شیعیان به عنوان یک هسته اعتقادی در حال تکون یابی به کلیت جامعه اسلامی تعمیم پیدا کند. یعنی مهم‌ترین زبان مخالف با اموی، شیعی شود و این مسئله سنگ بنایی برای شکل‌گیری شیعه در اطوار بعدی تاریخ شود. در حقیقت در پی عاشورا یک امکان تاریخی پیش روی شیعیان قرار می‌گیرد و این امکان تاریخی، در زنجیره اتفاقاتی که بعد از شهادت امام حسین (ع) رخ می‌دهد و نیز پیرامون جریان‌های پیوسته پاسداشت این حادثه خود را نشان می‌دهد.

وی با بیان اینکه بعد از شهادت امام حسین (ع) شاهد جریان‌های متعدد خونخواهی هستیم، گفت: این جریان‌ها بسیار گسترده و در عین حال حائز پایگاه‌های اجتماعی مختلفی هستند؛ به یک معنا این جریان‌ها بخش مهمی از زبان اعتراض عمومی می‌شوند و مبارزه با امویان را مهم‌ترین هدف خود قرار می‌دهند. البته همه این جریان‌ها به اصطلاحی که ما می‌شناسیم شیعی نیستند. وقتی امروزه از شیعه بودن سخن می‌گوییم، از یک شیعه خالص دفاع می‌کنیم، اما در آن دوره و به ویژه متأثر از عاشورا شیعه بودن، فراتر از هسته مرکزی اصحاب شیعی وفادار که در کی اعتقادی از شیعه بودن داشتند، به این بود که دغدغه مبارزه برای بازگشت حکومت به خاندان پیامبر (ص) را تعقیب کنیم. در پی عاشورا این دغدغه شیعی به شیوه‌ای فراگیر تکثیر می‌شود و وجهی استعاری در توضیح معنا و منطق مبارزه اجتماعی در جامعه می‌یابد. این چنین شیعه بودنی اگرچه بار تاریخی ارزشمندی دارد، اما با نظم و نسق یابی شیعیان در قالب آنچه بعدها در تاریخ شکل و شمایل شیعی خوانده می‌شود، ناسازگاری‌هایی دارد، یعنی از نقاط قوت و ضعفی برخوردار است. نقش سیاسی امام سجاد (ع) ذیل در کی از این دست قابل توضیح است. مبلغی تصریح کرد: در پی عاشورا این مسئله که باید به امام سجاد (ع) مراجعه کنیم، برای خواص فهمیدنی بود، اما برای کسانی که که دغدغه‌های شیعی آن‌ها تازه بود، چنین درک و فهمی از شیعه بودن به صورت فراگیر و همه گیر وجود نداشت. این جریان‌های مبارزه‌جو به دنبال کسی از علویان بودند که بیرق مبارزه را بر دوش بگیرد. امام سجاد (ع) از پذیرش جریان‌های شیعی منتقم به صوت عام ابا داشتند؛ لذا به محمدبن حنفیه توجهاتی صورت می‌گیرد که در واقع به یک معنا نماد شیعیان مبارزه‌طلب می‌شود؛ شیعیانی که می‌خواهند مبارزه را در قالب جنبش‌های مبارزاتی و منتقم عاشورا تداوم دهند. حتی تا مرگ او نیز این محوریت برای شیعیانی که جنبه مبارزاتی داشتند، البته تا حدی، حفظ می‌شود، اگرچه بعد از او مراجعه به امام سجاد (ع) تقویت می‌شود. پرسش مهم آن است که چرا امام سجاد (ع) از این جریان‌های گسترده و پرسامد مبارزه با شمشیر دوری جستند؟

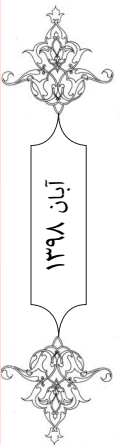
مبلغی با تأکید بر اینکه در تاریخ قبل از عاشورا دو نوع کنش‌گری در مناسبات عهد امام علی (ع) وجود دارد، گفت: یکی از آن‌ها مبارزه است، اما یک کنش‌گری دیگر به یک معنا سکوت و کناره‌گیری از مبارزه است. در سقیفه کنش کناره‌گیری را می‌بینیم؛ در حالی که طی جنگ‌های امام علی (ع) کنش مبارزه به چشم می‌آید. این دو کنش، کنش‌های تاریخی شیعه‌گری است. اگر به امام حسن (ع) نگاه کنید به اقتضای مناسبات، کنش مماشات یا کناره‌گیری را برمی‌گزینند که تبار و ریشه در رفتار علی (ع) دارد و امام حسین (ع) تا زمانی که امام حسن (ع) در قید حیات است و معاویه زنده است، به همین کنش پایبند هستند؛ اما بعد از معاویه، و در پی به حکومت رسیدن یزید بر خلاف مفاد عهدنامه، کنش مبارزه را تعقیب می‌کنند. به این ترتیب کنش‌های مبارزه یا کناره‌گیری در اندیشه شیعه از پیش موجود بود و تبار آن‌ها را می‌شد در مناسبات شیعه یافت و توضیح داد. بعد از عاشورا، بخش

عمده‌ای از شیعیان ذیل مختار و حنفیه، کنش مبارزه را پیش کشیدند؛ اما امام سجاد(ع) کنش سکوت را برگزیدند. بعد از عاشورا اقضائات تغییر می‌کند و ذهنیت فراگیر شده شیعی در قالب منطق انتقام از دشمنان اهل بیت محیط را مشغول به خود می‌سازد.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در پایان اظهار کرد: آنچه امام سجاد(ع) بنا می‌گذارند استفاده از امکانی است که تحت تأثیر عاشورا گسترش یافته و زمینه‌ساز شیعه در معنایی که در عهد صادقین(ع) بسط و تداوم یافت می‌شود. امام سجاد(ع) به کنش مبارزه، وجه ذهنی می‌بخشند و آن را به مثابه یک امر متافیزیکی و منطق درون‌زای مناسبات درون-شیعی مطرح می‌کنند؛ در حالی که کنش کناره‌گیری را به صورت امر بیرونی و تکنیک ارتباط با مناسبات خشن سیاسی پیش می‌کشند. در واقع ایشان، ذیل مراجعه به مفاهیمی نظیر انتظار برای منتقم آل محمد(ص) و لزوم تقیه، مفهوم اطاعت از امام و... منطقی را پیش می‌کشند که در آن شیعه به لحاظ ذهنی آماده مبارزه شناخته می‌شود؛ ولی به لحاظ عینی صبر پیشه می‌کند تا امکان عینی و واقعی برای آن فراهم آید. لایه نخست در این رویکرد آرایش گفتمانی مفاهیم در سطح داخلی (و حوزه گفت و گوی میان شیعی) نظام فکری شیعی را نشان می‌دهد؛ در حالی که لایه دوم آرایش گفتمانی در سطح بیرونی (و حوزه مواجهه با جهان بیرونی) نظام فکری شیعه را شکل می‌بخشد. این رویکرد امام سجاد(ع) از یک سوی به فکر شیعی، به مثابه یک گروه متمرکز و حائز اقتدار درونی، انسجام بخشید و از سوی دیگر امکان مانایی و ماندگاری آن را در دل مناسبات مرتبط با جهان بیرون افزایش داد. جالب آن که گروه‌های اقلیت چندانی در تاریخ نمی‌توان سراغ گرفت که توانسته باشند ضمن تقویت پیوسته نظام فکری درونی خود، روی بردار زمان مرتباً بیش از پیش تثبیت شوند و از پس مشکلات ناشی از فشار جهان بیرون، که با گروه اقلیت مخالف است، برآیند. بی‌گمان شیعه یکی از مهم‌ترین و شناخته شده‌ترین این گروه‌ها است. رویکرد امام سجاد(ع) و سپس صادقین(ع) در این زمینه بسی اثرگذار بود و در عمل به تکوین‌یابی تاریخی شیعه در عین حفظ و تشدید پیوسته منطق درون‌زای خود انجامید.

سخنران سوم نشست حجت‌الاسلام داود مهدوی‌زادگان بود که با اشاره به اینکه دنیای امروز جهانی عادی شده، روزمره و بی‌روح است که دیگر هیچ چیزی، آدمیان را تحریک نمی‌کند تا در مقابل آن عکس‌العمل نشان دهند، اظهار کرد: جهان امروز بیشتر به اشک نیاز دارد و نه خنده، جامعه باید شاد باشد، اما جامعه امروز به ذکر مصیبت و اشک نیاز دارد؛ اشک نابی که می‌تواند این جهان عادی‌شده را اصلاح کند نیز، در واقعه کربلا پیدا می‌شود. این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ادامه به طرح بحث در زمینه حکمت اربعین و قابل استفاده بودن برای دنیای امروز پرداخت و گفت: بحثی در مورد اینکه اساساً فلسفه اربعین چیست و ضرورت آن کجاست، مطرح می‌شود؛ البته به فلسفه‌اش نمی‌پردازم، اما اجمالاً می‌گویم که در روایات، فراوان نسبت به اربعین و زیارت امام حسین(ع) در روز تأکید شده است. به ویژه نسبت به پیاده‌روی نیز سفارش شده است. در روایات داریم که برای هر قدمی که یک شخص زائر برمی‌دارد، ثوابی برای او نوشته می‌شود و سهمی از بهشت را دارد.

وی افزود: همچنین زیارتنامه اربعین را داریم که از ناحیه امام صادق(ع) بیان شده که در آن روز خوانده می‌شود، اما خود عمل پیاده‌روی نیز در عبادت نقش دارد. به این صورت که در اعمال واجب نیز چنین چیزی را داریم که نمونه آن مناسک حج است و در مناسک حج، سعی بین صفا و مروه را داریم. در این سعی که هفت بار باید رفت و برگشت



انجام شود، تقریباً دو ساعت نیز طول می کشد و باید پیاده باشد. همچنین طواف کعبه نیز همین طور است که باید هفت بار به صورت پیاده این کار صورت گیرد.

مهدوی زادگان با بیان اینکه پیاده روی در اعمال عبادی نیز مطرح است، تصریح کرد: پیاده روی در مواردی که گذشت، تشریح شده است؛ لذا جای بحث ندارد که کسی بگوید چرا باید پیاده روی انجام داد. در نتیجه این زیارت سفارش شده و از اعمال مأثوره است که در روایات به آن تأکید زیادی شده است.

وی تصریح کرد: به نظر می رسد، اربعین در تاریخی که ما در آن به سر می بریم ذخیره الهی است و قبلاً ناشناخته بوده و تازه دارد خودش را می شناساند و ما ارزش آن را درمی یابیم. گویی خداوند این عمل عبادی را نگه داشته تا در این زمان اتفاق بیفتد. بنابراین مهم است که بگوییم دورانی که در آن به سر می بریم چه ویژگی هایی دارد که چنین ادعایی می کنیم؟ تصویری که از دنیای امروز داریم این است که بحثی را تحت عنوان عادی سازی و روزمره شدن داریم؛ جهان امروز یک جهان عادی شده و روزمره شده است یا به عبارتی، جهانی بی روح است که دیگر هیچ چیزی، آدمیان را تحریک نمی کند که در مقابل آن عکس العمل نشان دهند.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اظهار کرد: این روند برخلاف گذشته است که بشریت تحت تأثیر واقع می شد و اقداماتی می کرد، اما جهان امروز این طور نیست و یک جهان عادی شده است و بسیاری از مسائل را شاهدیم و می بینیم که اتفاق می افتد، ولی خیلی راحت از کنار آن ها عبور می کنیم که در هیچ دوره ای این طور نبوده که در یک روز و در یک ساعت هزاران انسان را به یکباره بکشیم و یا با بمب اتم شهری را نابود کنیم و جنگ جهانی راه بیندازیم. جالب است که این همه از انسان ها نابود شدند و سؤالی هم نمی شود. بنابراین در چنین جهانی زیست می کنیم که کشتار فراگیر شده و همه چیز روزمره شده است.

وی با بیان اینکه جهان به ظاهر جهان شادی است، اما جهانی که در آن جنگ وجود دارد، نمی تواند شاد باشد، گفت: این جهان به مرحله ای از قساوت رسیده که همه مصیبت ها را می فهمد و می بیند، اما با این احوال عکس العملی از خود نشان نمی دهد و هیچ تعرضی نمی کند. دلیل این اتفاق این است که جهان ما قسی القلب شده است. اگر این قسی القلب شدن را قبول نداریم باید در مقابل آن چاره ای داشته باشیم و از این روزمرگی خلاص شویم.

مهدوی زادگان با بیان اینکه تنها راه چاره در برون رفت از این مشکل رجوع به امر الهی است، تصریح کرد: راه های غیرالهی جواب خود را پس داده اند و نتیجه آن همین جهان عادی و روزمره است. جهان امروز بیشتر به اشک نیاز دارد و نه خنده. جامعه باید شاد باشد، اما جامعه امروز به ذکر مصیبت و اشک نیاز دارد. اشک نابی که می تواند این جهان عادی شده را اصلاح کند نیز در واقعه کربلا پیدا می شود؛ یعنی این کربلا و عاشورا برای همین است. ذکر مصیبت را نباید منحصر به شخص امام حسین (ع) کرد بلکه باید گسترده شود.

وی در ادامه افزود: برای عزاداری امام حسین (ع) درست است که در هیأت ها حضور پیدا می کنیم، اما در اربعین همه جمع می شویم و در یک مسیر راهپیمایی می کنیم و در این مسیر از مصائب صحبت می کنیم. یکی از تفاوت های این کنگره با حج این است که در حج به شما اجازه نمی دهند که کوچک ترین حرفی در مورد مصیبت های مسلمین مطرح شود اما این اجازه در اربعین وجود دارد و با راهپیمایی ها و تجمع میلیونی مصائب بشر امروز را ذکر می کنیم و اشک می ریزیم. با این اشک ها قلب ها را رقیق می کنیم و قلوب که رقیق شود، به مصائب بشر توجه بیشتری صورت می گیرد.



بهره‌گیری از آثار و اندیشه‌های استاد مطهری در جهت توسعه نقد و ارتقای متون دانشگاهی

دویست و یازدهمین جلسه شورای بررسی متون با حضور مدیران گروه‌های ۱۷ گانه شورای بررسی متون، رئیس، معاونان و مشاوران پژوهشگاه علوم انسانی، روز پنجشنبه دوم آبان ماه ۱۳۹۸ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ابتدای این نشست اظهار داشت: جامعه ایران به صورت اعم و شورای بررسی متون، به عنوان اتاق فکر نظام دانشگاهی و آموزش عالی کشور، به صورت اخص، نیازمند سازه‌های ترمینولوژی و مفهوم‌سازی مطابق نیازهای روز منطبق با آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

وی در ادامه بیان کرد: شورای بررسی متون لازم است به صورت موضوعی به مسائل امروز جامعه ایران بپردازد. یکی از موضوعات مورد نظر شورا، در ذیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، صادره از سوی مقام معظم رهبری، اندیشه متفکران اسلامی با هدف تبلور و سرریز شدن نتایج مباحث در متون درسی است که این بحث را از بازکاوی اندیشه و آثار استاد مطهری شروع کرده‌ایم و به سایر متفکران مسلمان معاصر نیز تعمیم پیدا می‌کند؛ چرا که سعی ما در شورا این است که فعالیت‌ها به غنی شدن متون درسی و بهبود نظام آموزشی بیانجامد.

در ادامه دکتر علی اکبر احمدی افرجانی به ارائه سخنرانی خود با عنوان بهره‌گیری از آثار و اندیشه‌های استاد مطهری در جهت توسعه نقد و ارتقای متون دانشگاهی پرداخت و چگونگی بهره‌گیری از آثار و اندیشه‌های متفکران اسلامی معاصر در جهت توسعه نقد و ارتقای متون دانشگاهی با تأکید بر اندیشه‌های استاد مطهری را در این نشست ارائه کرد.

دکتر احمدی با اشاره به متمایز شدن اندیشه شهید مطهری از اندیشه اشعری و رسیدن به استقلال اندیشه و شخصیت فکری خاص وی در بین اندیشمندان معاصر گفت: از دیدگاه شهید مطهری، علوم انسانی غرب واجد یک روح فلسفی است و این موضوع برای مطهری یک نوع کشف محسوب می‌شود. رویکردهای تجربی و پوزیتیویستی در علوم انسانی از نظر استاد مطهری مردود است.



دکتر احمدی در ادامه به تشریح این موضوع پرداخت که این روح فلسفی علوم انسانی چیست؟ و در ادامه اظهار کرد: انسان در اندیشه فلسفی شهید مطهری، خلیفه خدا است. بنابراین، دینی که در قرون وسطی در غرب مطرح بوده مورد نقد وی است. زیرا متناسب با سنت فلسفی ما نیست. نقد علوم انسانی تجربی استاد مطهری از موضع فلسفی خاص ایشان صورت گرفته است و از این منظر به مدیریت، علوم تربیتی، اقتصاد و سایر علوم غربی نگریسته و این نگرش انتقادی است.

وی خاطرنشان کرد: علوم انسانی جدید به لحاظ اینکه به برخی مسائل امروز بشر توجه داشته نزد شهید مطهری قابل اعتنا است. مثل اینکه در علوم اجتماعی جدید نظام‌ها و نهادهای سازمانی امور در اجتماع مهم است. شهید مطهری از فرمایش حضرت امام علی (ع) شاهی می‌آورد و آن حضرت در پاسخ به این سؤال پاسخ می‌دهد. کسی از علی (علیه السلام) پرسید: آیا جود بهتر است یا عدالت؟ اَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟ أَلْجُودُ أَوْ الْعَدْلُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا. عدل از جود بالاتر است.

وی تصریح کرد: از این رو برخی مباحث علوم انسانی جدید پس از نگاه انتقادی می‌توانند در خدمت انسان، جامعه و نظام دانشگاهی قرار گیرد.

پس از پایان این سخنرانی، حاضران در نشست نیز نظرات انتقادی خود را مطرح کردند و با مشارکت اعضای شورای بررسی متون، محتوای سخنرانی علمی مورد نقد و بررسی قرار گرفت و در این تبادل نظر اعضای شورا بازخوانی اندیشه‌های شهید مطهری برای پاسخ به نیازهای کنونی جامعه ایرانی و نظام دانشگاهی را ضروری دانستند.

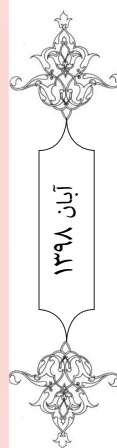


گزارش دیدار دکتر قبادی با اعضای پژوهشکده اقتصاد و مدیریت

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه در ادامه بازدید از پژوهشکده‌ها، روز سه شنبه ۲۱ آبان ۹۸ با اعضای پژوهشکده اقتصاد و مدیریت دیدار کرد. در این دیدار که با حضور اعضای هیأت علمی و کارشناسان پژوهشکده صورت گرفت، در ابتدای جلسه، دکتر ابراهیم التجایی ضمن تشکر از بازدید ریاست پژوهشگاه از پژوهشکده اقتصاد و مدیریت گزارشی اجمالی از فعالیت این پژوهشکده در یکسال اخیر و برنامه های پیش روی این پژوهشکده ارائه کرد. پس از آن اعضای هیأت علمی نکات، مسائل و مشکلات خود را با ریاست پژوهشگاه مطرح کردند.

در ادامه جلسه رئیس پژوهشگاه ضمن تشکر از دکتر التجایی و دیگر اعضای هیأت علمی این پژوهشکده از ظرفیت های بالای آن برای انجام پژوهش های کاربردی و فعالیت در جهت متنوع سازی درآمدهای پژوهشگاه گفت و بر لزوم مشارکت آنها در انجام طرح های کارفرمایی به صورت گروهی و جمعی در جهت تحقق اهداف برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه تأکید کرد.

وی همچنین با اشاره به مسائل و مشکلات موجود گفت: در شرایط اقتصادی کنونی پژوهشکده اقتصاد و مدیریت می تواند با ارائه طرح ها و ایده های راهگشا، سیاستگذاران و دولتمردان را در رفع مشکلات یاری کند و می توان با ترسیم برنامه های راهبردی و معطوف به حل مسئله، اهمیت و نقش علوم انسانی در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور را بیش از پیش به نمایش گذاشت.



قدردانی از کتابداران در هفته کتاب

به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی و روز کتابدار و به منظور ارج نهادن به زحمات کتابداران و متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی پژوهشگاه، روز چهارشنبه ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۹۸، دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه به همراه معاونین پژوهشی و اداری مالی؛ دکتر ملایی و دکتر قنبرلو ضمن بازدید از کتابخانه و فعالیت‌های آن، از کتابداران این مجموعه تجلیل کردند. در این دیدار صمیمانه دکتر قبادی کار کتابداران را پرزحمت و مسئولانه توصیف کرده و محیط کتابخانه را چون بهشت توصیف کرد. همچنین وی کتابخانه پژوهشگاه را مایه افتخار جامعه علوم انسانی کشور دانسته و از معاونین و مسئولان پژوهشگاه، حفظ و نگهداری کتابخانه و منابع ارزشمند آن را خواستار شد.



فرایند عشق در فلسفه دین زنانه‌نگر

روز دوشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۹۸، پژوهشکده حکمت معاصر با همکاری پژوهشکده غرب‌شناسی و گروه پژوهشی مطالعات زنان سخنرانی با عنوان «فرایند عشق در فلسفه دین زنانه‌نگر» را برگزار کرد.



در ابتدای نشست دکتر مریم صانع‌پور در مقدمه سخنانش گفت: در این گفتار به جریان‌شناسی فلسفه‌های متنوع دین‌فمینیستی می‌پردازم تا در میان آنها به یک جریان مشترک دست یابم. به همین منظور دیدگاه‌های برخی فیلسوفان دین‌فمیست مانند پاملا اندرسن، ماری دیلی و لوسه ایریگاری، را مطرح می‌کنم. همچنین دیدگاه فیلسوفانی که به طور غیرمستقیم در نگرش دینی فمینیستی تأثیر گذاشته‌اند مانند ساندر هاردینگ، سارا رادیک، ژولیا کریستوا، ژنوبو لوید، جودیت باتلر، را مورد واکاوی قرار می‌دهم. صانع‌پور ادامه داد: با بررسی رویکردهای مختلف فلسفه دین فمینیستی در یافته‌ام که: غالب این رویکردها با فلسفه پوشی و ایتهد و الهیات عشق تیلش هماهنگ هستند، اصطلاح فرایند عشق به عنوان جریان مشترک فلسفه‌های فمینیستی، مبتنی بر ویژگی روانکاوانه زنانه - مادرانه است، معرفت‌شناسی فلسفه‌های زنانه‌نگر، خصوصیتی جمع‌گرایانه، دیگر‌محورانه و شهودگرایانه دارند، هستی‌شناسی فلسفه فمینیستی دین هماهنگ با خصوصیات زنانه - مادرانه، به گونه‌ای تولد محورانه، تعاملی و پوینده شکل گرفته و بر همین اساس قدرتی عاشقانه و مراقبتی برای خدا اثبات می‌کند، ویژگی فرایند عشق و مراقبت در فلسفه دین زنانه‌نگر، مانع تبعیض‌گرایی و خودمحوری زن‌سالارانه می‌شود تا تجربه تلخ دوگانگی من/دیگری یا مردانگی/زنانگی سوژه دوره روشنگری تکرار نشود. و براساس اصل مشترک فرایند عشق در فلسفه دین زنانه‌نگر، دوگانگی عقل/ایمان و عقل/عشق رخت برنند. وی در خصوص نقادی فلسفه‌های متداول دین توسط فیلسوفان زنانه‌نگر ادامه داد: فیلسوفان زنانه‌نگر معتقدند فلسفه دین غربی با وجود آن که یک معرفت‌انگلیسی - آمریکایی است اما به عنوان نظریه‌ای فرامکانی و جهانی معرفی شده است. در این نظریه خدای پدر که دارای قدرتی مردانه است پرستیده می‌شود و زنان ریشه شرور دینی معرفی شده‌اند. از این رو نقش هدایتگری دینی غالباً از زنان سلب شده است و به‌ندرت در تفسیر یا تدوین متون دینی مرجع، حضور داشته‌اند. گروهی از فیلسوفان فمینیست دین مانند دیلی، ایریگاری، و کریستوا معتقدند در ادبیات دینی از خداوند با ضمیر مذکر یاد می‌شود، درحالی که خدا مفهوماً و مصداقاً، متعالی از جنسیت است. تصویر مردانه خدا موجب شده تا مردان نیز در تصویری خداگونه ترسیم شوند. در دوره روشنگری همین اصل پدرشاهانه فلسفه دین در عقل اجتماعی مدرنیته آشکار شده و قدرتی یکسویه را شکل



داده است که همه مکاتب فلسفی غرب به جز فلسفه پویشی دین آن را به رسمیت شناخته‌اند زیرا فلسفه پویشی، قدرت یکسویه را نمی‌پذیرد و آن را به لحاظ مفهومی فاقد انسجام، به لحاظ علمی غیرضروری، و به لحاظ اخلاقی سرکوب‌کننده معرفی می‌کند. گیلمن، مادر فلسفه دین فمینیستی از مرگ‌محوری در خداشناسی مردسالارانه انتقاد می‌کند و معتقد است تولدمحوری و جمع‌گرایی مادرانه، گونه‌ای دیگر از فلسفه دین را رقم می‌زند که شکوه الهی را در نام‌های جمالی‌اش مشاهده می‌کند و خدای عشق ورز را عاشقانه می‌پرستد؛ بیش از آن که به روش الهیات تئیستی، انسان با ترس از مرگ و حساب واپسین، خدای انتقام‌گیرنده را بپرستد. زیرا بر اساس ادیان الهی، حیات امری ذاتی و پایدار است اما مرگ فقط نقطه عطفی برای تولدی دوباره در جهانی دیگر است.

علاوه بر نگرش تولدمحور و جمع‌گرایانه فیلسوفان دین فمینیست، دیدگاه‌های ضد تبعیض ایشان نیز مبتنی بر جریان شناسی فرایند عشق است. ایشان ریشه بی‌عدالتی‌های اجتماعی را در دوگانگانگاری مبنایی جستجو می‌کنند و عقیده دارند فلسفه دین غربی، خداوند را مذکر، و عالم را مونث تلقی می‌کنند؛ آسمان را مذکر، و زمین را مونث می‌پندارند؛ و همچنین مقدس مذکر، و نامقدس مونث معرفی می‌شود. صنایع پور در ادامه همچنین درباره راهکارهای نظری چند فیلسوف دین زنانه‌نگر توضیح داد و گفت:

هاردینگ می‌نویسد سوژه مدرن که مدعی شناخت واقعی نسبت به عینیت جهان است بر اساس یک عینیت حداقلی که با معیارهای غربی ارزیابی شده، زنان، نژادهای تحت تسلط، و طبقات حاشیه‌ای را نادیده گرفته است، بنابراین ادعایش در مورد شناخت واقعی از جهان، باطل است. بر اساس نظریه عینیت حداکثری، هم سوژه و هم ابژه، منفرد، تک جنسی، و یکپارچه نیستند بلکه متنوع، متکثر، نامتجانس و پیچیده هستند.

در فلسفه دین غربی مردان نقش سوژه‌های فراجنسی را ایفا می‌کنند و جسمانیتهای آن را به زنان حواله می‌دهند. در این نگرش فلسفی نه فقط زنان سوژه معرفت تلقی نشده‌اند، بلکه حتی به عنوان ابژه، از تصمیم‌گیری‌هایی که برایشان شده، غایب بوده‌اند. اما معرفت‌شناسان دیدگاه فمینیستی بر اساس عینیت حداکثری، عقلانیتی جامع و ملازم جسمانیت ارائه می‌دهند که مطلق‌گرا و تعمیم‌پذیر نیست؛ اقتدارگرا، انحصارطلب و نخبه‌گرا نیست؛ با حقیقت و عدالت مرتبط است؛ و با تعصبات جانبدارانه مقابله می‌کند.

برخی سوالات فیلسوفان دین فمینیست درباره اهمیت بدن انسان و جنسیتش در معرفت‌شناسی دینی، عبارتند از:

۱. جنسیت انسان چه نقشی در تجربیات دینی او ایفا می‌کند؟
 ۲. آیا جنسیت در قدرت دینی نقش دارد؟
 ۳. آیا میان تعالی عرفانی شخص، با جنسیت وی مناسبات مادی و تاریخی وجود دارد؟
 ۴. تجربه جنسیتی، موجب کدام معانی و ارزش‌های دینی می‌شود؟
 ۵. آیا جنسیت سرکوب شده در نمادها و مفاهیم تجربه عرفانی، نقش دارد؟
- نظریه پردازان فمینیست معتقدند سوژه‌ها در مناسبات قدرت، اطلاعات ضروری را از اجسام کسب می‌کنند و نادیده گرفتن بدن‌ها در معرفت‌شناسی و در مناسبات قدرت، بدن‌ها را تبدیل به پایگاه‌های نزاع و مقاومت می‌کند

وی ضمن بیان اینکه حذف جسمانیت از سوژه معرفت مدرن موجب شده جنسیت سوژه نیز نادیده گرفته شود، گفت: این مسئله زمینه تبعیض جنسیتی را فراهم می‌کند بر این اساس در نظریه‌های فمینیستی موضوع مقابله با تبعیض جنسی، محوری‌ترین موضوع است. نظریه‌پردازان فمینیست، مفروضاتی عام و مشترک درباره عقل جسمانی و عدالت دارند، بنابراین نظریه عدالت در فلسفه‌های فمینیستی، هم دارای جنبه جهانی، و هم دارای جنبه محلی است. عمومیت رویکردهای عدالت‌محور تصویری مهرورزانه از فلسفه‌های دین فمینیستی ترسیم می‌کند؛ تصویری که نه فقط ستم‌های جنسیتی را برنمی‌تابد، بلکه ستم‌های نژادی، قومی و طبقاتی را نیز محکوم می‌کند.

وی درباره نقش زبان در معرفت دینی نیز توضیح داد و گفت: معرفت‌شناسان زنانه‌نگر معتقدند برای رفع تبعیض و برقراری عدالت باید سوژه شناسا، به بازآفرینی خود پردازد و خود را به عنوان «دیگری» خلق کند تا دوگانگی میان سوژه مذکر / ابژه مونث برطرف شود. در جهت تحقق این امر، ابزارهای زبان‌شناسانه لازم است تا سوژه معرفت بتواند به «دیگرآگاهی» دست یابد. زبان‌شناسی مادرانه ایریگاری تلاش می‌کند تعاملات اجتماعی را جایگزین تقابلات خصمانه کند زیرا خصوصیات مادرانه مستلزم صلح و امنیت است تا رشد و پویایی فرزندان ممکن شود.

صنایع پور درباره شور و اشتیاق زنانه نیز مطالبی را بیان کرد و توضیح داد: در فلسفه‌های دین فمینیستی اشتیاق و عاطفه ملازم عقلانیت است. در این رویکرد نماد عقلانیت در قالب زن خردمند و پرشور، توصیف می‌شود.

همچنین امر زنانه با ویژگی‌هایی چون تعهد، ایشار، و شور عقلانی وارد معرفت‌شناسی دینی می‌شود؛ و به این ترتیب عقلانیتی مراقبتی، عاشقانه و مادرانه مبنای فلسفه دین می‌شود تا با طراحی دوباره ایمان مذهبی، زمینه‌سازی جامعه جهانی با عشق و آزادی فراهم شود. فلسفه دین فمینیستی روش‌های عرفانی، شهودی و تنوع‌گرایانه را جایگزین استدلال‌های حصولی و تعمیم‌گرایانه کرده است. اندرسن به عنوان یک فمینیست عقل‌گرا، سوژه معرفت دینی را به‌گونه‌ای مفروض می‌گیرد که خودمحور و صرفاً «خودآگاه» نیست، بلکه «دیگرآگاه» نیز هست تا زنان و مردان با هر نژاد و قومیتی به رسمیت شناخته شوند، و مورد مهرورزی و مراقبت مادرانه قرار گیرند

ساندرا رادیک نقش مادری را تأیید کننده عقلانیت می‌داند. نظریه عقل‌گرایانه رادیک نظریه‌ای عمل‌گرایانه است و با رویکردهای فلسفی ویتگنشتاین، هابرماس، و عقلانیت جمع‌گرایانه تناسب دارد. رادیک معتقد است مادران فقط شأن زیست‌شناسانه ندارند بلکه مادران حیات حقیقی، حفاظت و رشد اجتماعی، ایجادکننده زمینه‌های عدالت، و نفی استبداد و استثمار هستند. نظریه‌های مقاومت بدون خشونت گاندی و لوترکینگ، با عقلانیت مادرانه رادیک هماهنگ هستند، زیرا مادران با ظلم و خشونت مخالفند و تلاش می‌کنند فرزندانشان را به‌گونه‌ای آموزش دهند که مانع درگیری‌های ظالمانه شوند. برخی فیلسوفان دین زنانه‌نگر از ضرورت تحلیل گفتمان پسا‌ساختارگرایانه و چالش با سه مفهوم زبان، جنسیت، و قدرت سخن می‌گویند. در این نظریه، فرایند گسترده و پیچیده شکل‌گیری معرفت، جایگزین معرفت‌شناسی یونیورسال سوژه مذکر می‌شود که خود را به موقعیت‌های متکثر و متفاوت تحمیل کرده است.

وی در مورد خداشناسی فیلسوفان دین زنانه‌نگر گفت: خدا در فلسفه دین زنانه‌نگر با اسماء جمالی و زیبایی پرستیده می‌شود صفاتی مانند مهربانی، رحمت، عشق و مراقبت، محور خداشناسی فمینیستی است. همچنین الهیات تشبیهی بیش از الهیات تنزیهی مورد توجه است. فلسفه‌های دین فمینیستی دهه‌های اخیر، بر اساس رویکرد پویشی و فرایندی، اما در راه‌های متنوعی گسترش یافته‌اند. در این گفتمان، هستی، حیات محضی است که در ارتباط، معنا می‌شود و در حیات سرشاری تعیین می‌یابد که همه کائنات در آن مشارکت دارند. در فلسفه‌های دین فمینیستی خداوند در فرایند شدن، رشد، و پویایی مخلوقاتش حضوری عاشقانه و مراقبتی دارد. سپس به تجربه‌های عرفانی اشاره کرد و گفت: رزماری رد فورد روئر متاله کاتولیک فمینیست در الهیات تنزیهی اش برای توصیف خداوند، از نماد «محیط بر وجود انسان» استفاده می‌کند، که فراجنسیتی و متعالی از پدرشاهی یا مادرشاهی است اما سالی مک فاگ در رویکردی تشبیهی از تجربه‌های عرفانی سخن می‌گوید. او خداوند را مادر می‌نامد و با عشق، شفقت، و مراقبت مادرانه توصیف می‌کند. شهودی بودن نگرش‌های فمینیستی موجب شده تا از تنوع تجربیات عرفانی غفلت نشود.

صانع‌پور در ادامه به مسائل جدید فلسفه دین از منظری فمینیستی پرداخت و گفت: یکی از دغدغه‌های اصلی فیلسوفان دین فمینیست توجه به فلسفه‌های ادیان اسلامی، چینی، هندی، و... است درحالی‌که فلسفه دین کنونی با وجود ادعای وحدت‌گرایی در میان ادیان، به جای بررسی مبانی مشترک ادیان مختلف، منحصرأ



مبانی دین انگلیسی - اروپایی را به سایر ادیان تحمیل کرده‌اند. امروزه تنوع فرهنگ‌های جهانی و نقش آنها در نظریه‌های فلسفی دین موجب شده فیلسوفان دین، نگاه متافیزیکی شان را از دین بردارند و ادیان را در جایگاه منابع اولیه تولید فرهنگ‌ها ملاحظه کنند. در این فرآیند روش شناسانه، تاریخ ادیان و انسان‌شناسی فرهنگی، همان قدر دخیل هستند که متافیزیک نظری و الهیات طبیعی دخالت دارند. این فرآیند هرچند با دشواری‌های فراوانی همراه است اما موجب تفوق سوژه بر ابژه، مرد بر زن، و استعمارگر بر استعمار شده، نمی‌شود. همچنین در جنبه‌های معرفتی و وجودی نتایجی واقع نمایانه‌تر خواهد داشت. رویکرد ضد تبعیض مستلزم پذیرش چندگانگی‌های فرهنگی است. در این راستا اولین مرحله حرکت فکری فیلسوف دین، شناخت مواد دینی متنوع است. در حالی که تا کنون معیارها و مسائل فلسفه دین، حتی در مطالعات تطبیقی، از فلسفه دین اروپایی اخذ می‌شد اما فلاسفه دین کنونی، باید در رویکردی میان رشته‌ای، به شکل گیری ادبیات نوینی توجه کنند که در میان آنها صدای زنان نیز به گوش می‌رسد. با جهانی شدن گفتمان دینی زنان راه‌های جدیدی به روی فلسفه دین میان فرهنگی گشوده خواهد شد. در پژوهش‌های دین شناسانه آینده، نظام‌های الهیاتی جدیدی در میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، شکل خواهند گرفت که تحلیل‌های فلسفی را از کلی‌نگری و کلیت بخشی، به سمت جزئی‌نگری و تنوع‌نگری پیش خواهند برد. در میان فیلسوفان فمینیست غیرمسیحی آثار مهمی در این زمینه یافت می‌شوند که عبارتند از: آثار زنان متفکر یهودی مانند جودیت پلاسکف؛ آثار زنان بودایی مانند ریتا گروس؛ آثار زنان مسلمان در مورد تفسیر قرآن و شریعت مانند رفعت حسن؛ آثار زنان هندو مانند گوردون. این نظریه‌های فلسفی، با رویکردی میان فرهنگی، و براساس معیارهای خودشان ارزیابی می‌شوند تا مرزهای جدیدی بر روی فلسفه دین گشوده شود.

صانع‌پور در خاتمه سخنانش تأکید کرد: فلسفه دین معاصر، مشتمل بر دو امر متمایز است که با یکدیگر در ارتباط هستند: در جریان اول به توجیه و دفاع عقلانی حداقلی از اعتقادات دینی می‌پردازند تا مخاطبان بیشتری داشته باشند در جریان دوم به گونه‌ای هرمنوتیکی، معانی ایمان و تجربه دینی را توضیح می‌دهد. این جریان از طرفی به هسته مشترک ادیان می‌پردازد، و از طرف دیگر ویژگی‌های زبان و قواعد اشکال مختلف حیات دینی را بررسی می‌کند، زیرا استدلال‌های جدلی را که به دفاع جانبدارانه از دین می‌پردازند، فاقد اعتبار می‌داند. نانسی فرانکفوری پیشنهاد می‌کند دو جریان مذکور، یعنی توجیه عقلانی و تفسیر تجربه‌های دینی، باید در ارتباط تنگاتنگ با هم، وارد قلمرو مفاهیم شوند تا بتوانند منظومه‌های فلسفی اشکال متنوع دین را شکل دهند.



گزارش نشست «یاد شاعر: بزرگداشت دکتر قیصر امین پور»

روز یکشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۸ به همت پژوهشکدهٔ زبان و ادبیات و با همکاری معاونت کاربردی‌سازی و فرهنگی نشست «یاد شاعر» برای بزرگداشت دکتر قیصر امین پور در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست، استادان، دانشجویان و میهمانانی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه پیام نور، کتابخانه مینوی، و تنی چند از شاعران و... حضور داشتند.



در ابتدای نشست، دکتر فاطمه راکعی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صحبت کرد. وی با حوزهٔ هنری، قیصر امین پور و سید حسن حسینی آشنایی دارد و با قیصر امین پور در دانشگاه الزهرا، مجله سروش نوجوان، دفتر شعر جوان و انجمن شاعران ایران نیز همکاری کرده است. این سخنران ظرفیت بالای تعامل، مدارا و گفتگو را در شخصیت مرحوم امین پور بارز دانست.

پس از آن دکتر روح‌الله هادی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، از روزگار همکاری با دکتر امین پور در دانشگاه تهران سخن گفت. دکتر هادی بیان کرد: تجلی دانش در آدمیان، اخلاق و تجلی ایمان، نیکی است. آنچه قیصر از خیر و دانش و نیکی و فضل و فضیلت آموخته بود، در شخصیتش تجلی یافته بود. وی با تأکید بر روحیه حقیقت‌طلبی و حقیقت‌جویی قیصر، افزود: زنده‌یاد امین پور به دنبال یک حقیقت آرمانی در ناکجاآباد زمین یا ناکجاآباد آسمان بود و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد و آن حقیقتی را که می‌جست، در شعر یافته بود. چون شعر، جایی است که هرچه نباشد را می‌آفریند: «حتی اگر نباشی می‌آفرینمت». دکتر هادی اشعار قیصر را یک دوره از تاریخ اجتماعی ایران خواند و تأکید کرد پس از مرگ قیصر، بسیاری سعی در انتساب او به خود و به جریان خود داشتند، اما قیصر وابسته به هیچ جریانی نبود.

دکتر محمد شادروی‌منش، عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی، سخنران بعدی این نشست با یاد مرحوم امین پور و مرحوم مظاهر مصفا سخنان خود را آغاز، و به ارتباط میان دو زنده‌یاد اشاره کرد. وی همچنین با یادکرد جلسه دفاع از رساله قیصر امین پور، به نکاتی درباره انتخاب عنوان رساله (سنت و نوآوری در شعر معاصر) پرداخت. دکتر شادروی‌منش با ذکر ویژگی‌های مدرنیته، شعر قیصر را از انسان‌گرایی مدرن، عقلانیت مدرن و سکولاریزم به دور دانست و تأکید کرد: قیصر در این مسیر حرکت نکرده، بلکه شاخه‌ای نو از درخت سنت و پیوسته به آن است. در ادامه نشست، دکتر اسماعیل امینی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و سخنران دیگر نشست، به نقد فرایند



داوری پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی پژوهشی پرداخت و تأکید کرد: بسیاری از شعرهایی که در این آثار ذکر می‌شود، اصلاً از قیصر نیست. این مسئله درباره شاعری که معاصر است و اشعار او چاپ شده و در دسترس است، عجیب می‌نماید. همچنین با ذکر مواردی از تحلیل‌های اشتباه و سرسری از اشعار امین‌پور، بر لزوم دقت بیشتر پژوهشگران و داوران تأکید کرد. شاعر معاصر، عبدالجبار کاکایی، در ادامه برنامه، به بررسی شکل‌گیری جریان شعر انقلابی در دوران انقلاب و سپس شکل‌گیری حوزه هنری پرداخت. وی خروج قیصر از حوزه هنری را به منزله ورود او به اجتماع دانست. به بیان وی، قیصر رفتاری صادقانه و عاطفی و نگاهی هنرمندانه نسبت به زبان داشت و بازی‌های زبانی، در سخن گفتن روزانه او نیز دیده می‌شد.

در پایان نشست دکتر زیبا اشراقی، همسر مرحوم امین‌پور، ضمن تشکر از حضور استادان، شعری از استاد مظاهر مصفا خواند و شباهت آن را با غزلی از قیصر یادآور شد. وی پژوهشگران را به نقد منابع و بررسی این دست تأثیر و تأثرات در میان شعر شاعران، دعوت کرد.

این نشست با اهدای لوح فشرده صدای شاعر از طرف معاونت فرهنگی پژوهشگاه به حاضران و میهمانان، پایان یافت.



انتصاب

دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی؛

دکتر بهاره نصیری را به سمت سرپرست گروه پژوهشی مطالعات زنان؛

دکتر عبدالرسول عمادی را به سمت مشاور معاون اداری، مالی و مدیریت منابع

و مرتضی پورعطایی را به سمت سرپرست مدیریت امور حقوقی، قراردادهای و پاسخگویی به شکایات

منصوب کرد.

پیامدهای فرهنگی و اجتماعی راهپیمایی اربعین

به همت معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه نشست «پیامدهای فرهنگی و اجتماعی راهپیمایی اربعین» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در روز سه شنبه، ۳۰ مهرماه با حضور استادان، دانشجویان و علاقمندان و با سخنرانی دکتر جبار رحمانی در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

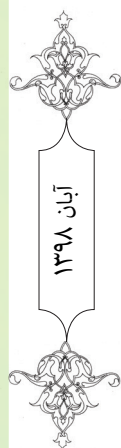


در ابتدای جلسه، دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه، با یادآوری واقعه کربلا و گرامیداشت ایام اربعین حسینی، در مورد رسالت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در بررسی تأثیرات و پیامدهای حرکت اربعین به نکاتی اشاره کرد و علت برگزاری این جلسه را بررسی اثرات حرکت پیاده‌روی اربعین و شناسایی ظرفیت‌های آن برای ایجاد جریان‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی قلمداد کرد.

در ادامه دکتر رحمانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، موضوع سخنرانی‌شان را زمینه‌های تاریخی اجتماعی پیاده‌روی اربعین بیان کرد. پدیده‌ای که چند سالی است در ایران و سایر کشورها به آن پرداخته می‌شود. مقوله‌ای که از باب آیین‌های جدید، سنت‌های جدید و شعائر جدید قابلیت طرح و بررسی را دارد.

دکتر رحمانی در این نشست اظهار داشت: پیش از ورود به بحث، یک موضوع را در پرانتز بگویم و آن هم اینکه «عمده آئین‌های جدید ما حول کربلا و زانه است مثل دهه فاطمیه، زینبیه، ام‌البنین و ... به بیان دیگر، درباره شخصیت‌های زنان این واقعه، آئین‌های بیشتر و جدیدتری باب شده است». سؤال این است که چه اتفاقی در حال افتادن است که این حرکت در حال گسترش و فراگیر شدن است. برای ما مهم است که بدانیم یک آیین در چه شرایطی متولد می‌شود، در چه شرایط توسعه می‌یابد و در چه شرایطی ممکن است افول پیدا کند. در خصوص آئین پیاده‌روی زیارت اربعین، نقدهای مختلفی وجود دارد؛ یک نقد، نقد حکومت است به این معنا که منتقدان اعتقاد دارند حکومت این آئین را دستکاری می‌کند و مردم در این آئین زیادی منفعل هستند که البته به نظر من نقد درستی نیست چون سوابق نشان داده که مردم هر چیزی را به راحتی نمی‌پذیرند. نقد دیگر، نقد طیف نخبه‌گرا و روشنفکر است که از اصطلاح «کارناوالیزه» شدن و عوامانه بودن استفاده می‌کند که به این نقد هم می‌توان پاسخ‌هایی داد.

وی ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران با انقلاب دینی سرکار آمد و ایده‌اش هم گسترش آئین و شعائر دینی بود. در سال‌های اول انقلاب گفتمانی شکل گرفت که بر پایه دوگانه‌هایی مثل انقلابی و غیرانقلابی، مؤمن و کافر، حزب‌الله و حزب شیطان و ... بود. در چنین فضایی، سیاست‌هایی مثل برگزاری نماز در ادارات و حضور روحانی و ... شکل گرفت اما از دهه ۷۰ به بعد، دولت به این نتیجه رسید که آئین‌های دینی، دیگر جواب نمی‌دهند و گفتمان مذهبی حاکم در ایران، به نوعی ناکامی دست یافت. در همین دوره مداحان ظاهر شدند و خیلی هم قدرت پیدا کردند.



ناکارآمدی و تغییرات در این دوره تناقض‌هایی را شکل داد که این احساس نیاز به وجود آمد که به یک گفتمان دینی جدید نیاز داریم؛ گفتمان دینی که سهل‌الوصول باشد و به ما حس رستگاری بدهد. چون گفتمان‌های دینی تا پیش از این سخت بودند و همواره به ما احساس گناه می‌دادند. در چنین شرایطی، آئین‌های عزاداری جدید خودشان را نشان دادند که پیاده‌روی زیارت اربعین، یکی از آنها بود. در نظر داشته باشید که زیارت و عزاداری، دو مکانیزم اصلی شیعه هستند و هویت تشیع با این دو عنصر گره خورده است.

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم ادامه داد: مورد دیگر اینکه در تشیع، پتانسیل تاریخی عظیمی دربارهٔ ارض مقدس داشتیم به این معنا که در دوره‌های زمانی قبل‌تر، کربلا برای ما سرزمین غیرقابل دسترس بود که داشتن تربت از این منطقه برای ما تبرک به حساب می‌آمد ولی به مرور زمان این مسئله تغییر کرد و دسترسی ما به این سرزمین از طریق پیاده‌روی اربعین راحت‌تر شد. یکی از نکاتی که باعث ظهور و استقبال از پیاده‌روی زیارت اربعین شد، این بود که تا پیش از این اثرگذاری و اغناء مناسکی مثل حج، زیارت مشهد و رفتن به زیارتگاه‌ها و مرقد‌ها خیلی کم شده بود بنابراین در چنین شرایطی، پیاده‌روی زیارت اربعین به عنوان یک شکل تازه زیارت، توانست موفق باشد. این را در نظر داشته باشید که در متون اصلی اسلامی، زیارت کار بسیار سختی است و هدف از زیارت، تغییر است؛ یعنی ما به زیارت می‌رویم که تغییر کنیم و در فرهنگ سنتی هم آداب و شرایط خاصی داشت ولی در زیارت پیاده‌روی اربعین، این عناصر خیلی دیده نمی‌شود و در شرایطی که اغلب آئین‌های دینی، کارکرد خود را از دست داده بودند، زیارت پیاده‌روی اربعین به عنوان یک منبع شارژ حیات‌بخش پدید آمد. در این پیاده‌روی، انسان‌ها در سطح بنیادین خودشان ظاهر می‌شوند و زندگی روزمره‌شان به نوعی تعلیق می‌شود. علاوه بر آنکه در این مسیر یک فضای انسانی به معنای بنیادین هم می‌بینیم.

رحمانی بیان کرد: برای رستگاری سهل‌الوصول، پیاده‌روی اربعین کارآمد است. این رستگاری به همراه ایده ارض مقدس و عوامل دیگر، باعث شد که پیاده‌روی اربعین به سرعت و به شدت در جامعهٔ ایران پذیرفته شود؛ حرکتی که هم عاملیت دولت را دارد و هم عاملیت مردم ولی چون به شکل بی‌پروا در حال گسترش است، زیرساخت‌های درستی ندارد البته مزایا و فرصت‌هایی هم برای ما ایجاد کرده است. به طور مثال، نوعی توافق همه‌جانبه بین حکومت، مردم و گروه‌های مردمی است یا مثلاً مناسبات ما با عراق بهبود یافته است و از این طریق، ما فرصت بازاندیشی در جمهوری ایران در مقابل جمهوریت عراقی پیدا می‌کنیم ولی اتفاق خطرناکی که به عقیدهٔ من در حال رخ دادن است، این است که حکومت از طریق پیاده‌روی زیارت اربعین در حال خرج کردن آخرین ذخیرهٔ تشیع یعنی کربلا است.

وی در پایان گفت: مُرادم از اینکه در حال استفاده از آخرین ذخایر شیعی یعنی کربلا هستیم، این است که باید حواسمان باشد که چه اتفاقی در حال رخ دادن است چون معلوم نیست که بعد از این چه اتفاقی بیفتد. اینکه آخرین ذخیرهٔ تشیع را این‌گونه استفاده می‌کنیم، نیاز به بازاندیشی توسط اصحاب علوم انسانی دارد. اگرچه هم دولت و هم مردم از آن خشنود هستند ولی این خشنودی به این معنا نیست که نباید به آسیب‌های اجتماعی آن توجه کرد.



رونمایی، نقد و بررسی کتاب «روش‌های تفسیری»

با هماهنگی پژوهشکده مطالعات قرآنی روز ۱۲ آبان ماه ۱۳۹۸ نشست «رونمایی، نقد و بررسی کتاب روش‌های تفسیری» تألیف حجت‌الاسلام دکتر سیدرضا مؤدب و دکتر محمدرضا عزتی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



آبان ۱۳۹۸

در ابتدای نشست دکتر مؤدب (استاد دانشگاه قم) بیان کرد: کتاب روش‌های تفسیری براساس سرفصل بحث روش‌های تفسیری در مجموعه مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور نگارش شده است. در دوره جدید، تمام سرفصل‌ها تجمیع و سرفصل واحدی تصویب و برای آن دروسی تنظیم شد و قرار است که متونی نیز تدوین شود. وی در ادامه افزود: از جمله مسئولیت‌هایی که بر عهده بنده و آقای عزتی گذاشتند، تدوین کتاب «روش‌های تفسیری» بود و علاوه بر اینکه این کتاب حاصل کوشش ما است، دکتر علی‌اکبر بابایی نیز بر آن نظارت جدی داشتند. بنابراین می‌توان گفت که این اثر با کوشش چندین نفر سامان یافته است. دکتر مؤدب تصریح کرد: این کتاب به صورت درسنامه تدوین شده است. ما در مورد روش‌های تفسیری - که از جمله درس‌های مهم در مقاطع ارشد و دکتری است - به صورت درسنامه کتابی نداشتیم. البته که آثار گرانقدری از آقایان علوی‌مهر و ... موجود هست. در اینجا باید از آیت‌الله معرفت یاد کنم که بنیان‌گذار این اقدام بودند و این اثر نیز حاصل رهنمودهای ایشان است و سعی شده که موضوع روش‌های تفسیری در آن تحلیل شود.

در ادامه دکتر عزتی - دیگر مؤلف کتاب - با اشاره به ضرورت نقد و بررسی کتاب گفت: این کتاب از سوی وزارت علوم به عنوان منبع آموزشی برای رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی معرفی شده است و از این جهت بیش از پیش لازم است که مورد ارزیابی قرار گیرد.

وی با اشاره به ساختار کتاب افزود: وجه تمایز اثر از دیگر آثار موجود این است که براساس سرفصل مصوب وزارت علوم تدوین شده است. تا قبل از این کتاب، لازم بود که اساتید برای هر بخشی که می‌خواستند تدریس کنند، یک سرفصل از یک کتاب را در نظر می‌گرفتند که نوعی پراکندگی ایجاد می‌شد و از این روی، تألیف کتاب کار را



برای علاقه‌مندان آسان کرده است. همچنین از دیگر چالش‌هایی که در روش‌ها و گرایش‌های تفسیری وجود دارد، مربوط به اصطلاحات است که این اصطلاحات تا چه حد با هم تشابه یا تفاوت دارند. مثلاً تفسیر عقلی و اجتهادی با یکدیگر چه تفاوت‌هایی دارند یا اینکه تفسیر عرفانی و باطنی چه نسبتی با یکدیگر می‌توانند داشته باشند که به این موارد نیز پاسخ داده‌ایم.

در ادامه این نشست دکتر حبیب‌الله حلیمی، رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران گفت: مباحث این کتاب برای دانشجویان مقاطع کارشناسی، ارشد و دکتری مفید است و به غیر از فشردگی واژه‌ها باید گفت که بسط و توضیح مطالب در هر بند و درس بسیار مناسب است و عناوین موجود در متن نیز مرتبط و هماهنگ هستند. مطالب در موضوع مورد نظر جامع و جذاب و با اهمیت است و مطالعه آن نیز تفکر پژوهشی و نقادانه را ترغیب می‌کند. همچنین منابع کتاب کافی، معتبر و دسته اول هستند و تقدیم و تأخیر دروس نیز درست رعایت شده است، اما بررسی کتاب در سه محور ساختاری، محتوایی و نگارشی لازم است. وی در ادامه به برخی اشکالاتی که از نظر ایشان بر کتاب وارد بود اشاره کرد.

سپس دکتر فروغ پارسا سخنان خود را آغاز کرد و گفت: شاید اولین سؤالی که در مواجهه با این کتاب مطرح می‌شود، این باشد که با وجود کتب موجود درباره روش‌ها و مکاتب تفسیری، چه نیازی به کتاب «روش‌های تفسیری» که استاد مؤدب نوشته‌اند، وجود دارد؟ در پاسخ باید بگوییم که باید هر موضوعی را در پارادایم مخصوص خودش مورد نقد و بررسی قرار دهیم. با این وجود که کتب مختلفی در این زمینه نوشته شده، ولی جای یک کتاب و درسنامه که بتواند در مقطع کارشناسی برای دانشجویان مفید باشد، خالی بود. به همین دلیل استاد نیز اقدام به تنظیم کتاب کردند و مهم‌ترین نقطه قوت کتاب این است که به صورت درسنامه تنظیم و تدوین شده است. برای هر درس، اهداف خاص و بعد چکیده آمده است و بعد پرسش‌هایی که دانشجویان می‌توانند داشته باشند را مطرح کرده است.

دکتر پارسا در ادامه تصریح کرد: درس اول کتاب معطوف به کلیات و تعاریف است و بعد به تعریف روش، گرایش و مکتب پرداخته شده و در همان درس اول، روش‌های تفسیری به روش تفسیر قرآن به قرآن و روایی و عقلی و روش تفسیری عرفانی منحصر شده است. گرایش‌های تفسیری نیز در گرایش‌هایی مانند اجتماعی، عرفانی، کلامی و اجتماعی منحصر شده و تمام دروس معطوف به این روش‌ها و گرایش‌های تفسیری سامان یافته است.

وی در خاتمه افزود: به نظر بنده، این کار نقاط قوت زیادی دارد. مؤلف از منابع زیادی استفاده کرده و بیشتر منابع نیز فارسی هستند. به نظر می‌رسد که استاد بر این اساس که دانشجویان کارشناسی برخلاف گذشته دانش عربی کمتری دارند، بیشتر از منابع فارسی استفاده کرده‌اند.



تحلیل مقایسه‌ای بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌ها

نشست «تحلیل مقایسه‌ای بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌ها» روز دوشنبه، ۲۹ مهر ماه ۱۳۹۸ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اساتید، دانشجویان و علاقمندان به مباحث میان‌رشته‌ای رسانه، ارتباطات و پویانمایی در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار شد.



در ابتدای نشست، خانم دکتر تاجیک اسماعیلی، ضمن خوشامدگویی به حضاران در جلسه، به نقش پررنگ پویانمایی‌ها در زندگی کودکان پرداخت و بر اهمیت و ضرورت پرداختن به آنها تأکید کرد و گفت: فیلم‌های پویانمایی (انیمیشن) در همه جای دنیا و از جمله جامعه ایران بسیار وسیع مصرف می‌شوند و مخاطبان زیادی دارد. آنها دارای رمزها و معنای ایدئولوژیکی هستند که بر معرفت و ادراک اجتماعی کودکان و نوجوانان نقش بسزایی دارند. با هدف شناسایی مهارت‌های زندگی و مهارت‌های ارتباطی نمایش داده شده در انیمیشن‌ها، به انجام تحقیقی پیرامون همین عنوان پرداختیم که به معرفی آن می‌پردازیم.

در ادامه، علیرضا خسروی، دانشجوی دوره دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی موضوع سخنرانی خود را به ارائه گزارش نتایج و یافته‌های پژوهشی در خصوص بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌های ایرانی و غیرایرانی اختصاص داد و گفت که این تحقیق از میان جامعه آماری انیمیشن‌ها به چهار نمونه پرداخته است. این نمونه‌ها شامل دو نمونه ایرانی و دو نمونه غیرایرانی بود که در انتخاب نمونه‌ها دقت زیادی شده که فضای داستان‌ها شبیه بهم باشند و روابط خانوادگی در آنها دیده شود. از هر دو جنس، پسر و دختر، در شخصیت‌های فیلم باشند. وی اظهار داشت، روش تحقیق بصورت کیفی بوده و از روش نشانه‌شناختی تحلیلی جان فیسک استفاده شده است. مسیر پژوهش بدین صورت بوده که، براساس مؤلفه‌های ارتباطی مدل مهارت‌های زندگی سازمان بهداشت جهانی، سکانس‌هایی از فیلم‌ها که حاوی مفاهیم و متغیرهای مؤلفه‌های ارتباطی مدل مهارت‌های زندگی سازمان بهداشت جهانی بوده انتخاب شده و بازنمایی سکانس‌ها در سه سطح: ظاهری، فنی و اجتماعی تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که؛ شخصیت اصلی داستان، خود را در مسیر خودسر می‌سپارد تا به خواسته‌ها و نیازهایش برسد. این نیازها و خواسته‌ها، جنبه فردی و عمومی دارند. در نمونه‌های ایرانی و غیرایرانی مورد بررسی، به غیر از مسائل تکنیکی و فنی، از لحاظ محتوا باهم فرقی ندارند و مهارت‌های ارتباطی به‌خوبی در آنها نمایش داده شده است. با بازنمایی «قهرمان» و «ناجی» از شخصیت کودک مواجهیم. ویژگی‌ها و خصایص برجسته شخصیت اصلی داستان (کودک) در این مجموعه‌ها؛ استقلال از بزرگسالان، توانا در حل مسائل، دارای خلاقیت و ابتکار، دنیای ساده و به دور از تجهیزات مدرن، دارای روحیه انتقاد و پرسشگری، عدم اطاعت از بزرگسالان و در نهایت اولویت دادن به خانواده و بازگشت به خانواده است. در این بازنمایی‌ها، کودک در جایگاه سنی طبیعی خود بازنمایی نشده و بزرگ‌تر



از سن زیستی‌شان نمایش داده می‌شود. الگوهای غالب گفتمانی و فضای فیلم‌ها در این نمونه‌ها، زندگی سنتی و جمعی پیشامدرنیته را نمایش می‌دهند. دلالت‌های فرهنگی-اجتماعی بر روابط سرشار از صمیمیت، حمایت و نزدیکی اعضای خانواده دلالت دارند. با آنکه تقابل نسل بزرگتر و نسل جوان‌تر را در نمونه‌ها شاهد هستیم، ولی اصل و تأکید بر حفظ نهاد خانواده و روابط اعضای خانواده است. شخصیت مونث فیلم‌ها در قالب کلیشه جنسیت نیستند و کنش‌هایی از آنان دیده می‌شود که تناسبی با کلیشه و طبیعت جنسیت مونث ندارد.

خسروی در پایان پیشنهاد داد که، برای تهیه محتوای مناسب پویانمایی‌های ایرانی، می‌توان به قصه‌ها و داستان‌های وطنی با استفاده از زبانی ساده مراجعه کرد. افتخار و تأکید بر آداب و رسوم، نمادهای ملی و مذهبی، زندگی جمعی و مشارکتی، حفظ نهاد خانواده، نقش دادن و توجه کردن به کودک و نوجوان با نظارت والدین، نشان دادن خانواده گسترده برای انتقال فرهنگ‌ها از نسلی به نسل دیگر از جمله محتواهای خوب و مناسب برای کودکان و نوجوانان در این عصر نوین الکترونیکی است. استفاده از محتوای جالب و جذاب داستان‌های ایرانی به ترویج سبک زندگی بومی (مطابق بند هفتم بیانیه گام دوم؛ سبک زندگی) و آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی یاری می‌رساند. چنانچه تحلیل دو فیلم ایرانی یاد شده نشان‌دهنده آنست که محتوای داستان‌ها و حکایات ایرانی، پتانسیل خوبی برای ساختن پویانمایی (انیمیشن) محسوب می‌شود.

در ادامه، حاضرین در جلسه سؤالات خود را از سخنرانان مطرح و جلسه بصورت تعاملی میان حضار و سخنرانان ادامه و پایان یافت.



إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

همکار گرامی جناب آقای محمدمحسن گلدانی

مصیبت درگذشت برادر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده محترمان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

همکار گرامی جناب آقای مهدی نادرپور

مصیبت درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده محترمان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

همکار گرامی جناب آقای رضا کوهستانی

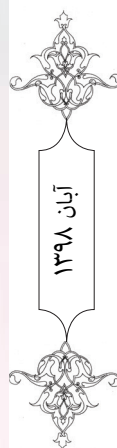
مصیبت درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده محترمان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

روابط عمومی

بازدید همکاران و دانشجویان پژوهشگاه از برج میلاد

به مناسبت میلاد پیامبر اسلام (ص) و امام جعفر صادق (ع)، با برنامه‌ریزی و هماهنگی معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، تعداد ۶۰ نفر از پژوهشگران، همکاران و دانشجویان پژوهشگاه در روز چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۸ از برج میلاد تهران بازدید کردند. در بازدید از برج میلاد که ششمین برج مخابراتی دنیا از نظر ارتفاع است، ابتدا بازدیدکنندگان به «سکوی دید باز» رفتند و با توضیحات مسئول مربوطه مناظر مختلف شهر تهران را مشاهده کردند.

در بخش دوم، بالاترین قسمت برج میلاد، «گنبد آسمان» مورد بازدید قرار گرفت. در این بخش مسئول مربوطه توضیحات لازم را در مورد نمادهای به کار گرفته شده در گنبد آسمان که شامل نمادهای چهارگانه طبیعت و بخش‌هایی از ادبیات و فرهنگ ایران بود، ارائه کرد. در بخش سوم، همکاران و دانشجویان به موزه مشاهیر رفتند و از مجسمه‌های مشاهیر ایران بازدید کردند. در بخش انتهایی نیز از موزه شهرداری تهران که شامل دستخط‌هایی از پادشاهان قاجار و اشخاص مشهور دوره قاجار و پهلوی و همچنین هدایای شهرداری‌های شهرهای مهم دنیا به شهرداری تهران بود، بازدید به عمل آمد.



گزارش جلسه دفاعیه محبوبه نادری (دانشجوی دکتری زبان شناسی)

تاریخ برگزاری: ۹۸/۷/۱۴

موضوع: جایگاه و توالی بندهای موضوعی و غیرموضوعی در زبان فارسی: رویکردی کمینه‌گرا
استادان راهنما: دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر مصطفی عاصی

استادان مشاور: دکتر فریده حق‌بین

استادان داور: دکتر ارسلان گلغام، دکتر آتوسا رستم‌بیک‌تفرشی، دکتر احمد صفارمقدم

این جلسه مورخ ۹۸/۷/۱۴ ساعت ۸:۳۰ با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به مباحث نحوی در حوزه زبان‌شناسی در سالن حکمت ساختمان اصلی پژوهشگاه برگزار گردید. در ابتدای این جلسه، دکتر دبیرمقدم و دکتر عاصی بر ضرورت و دغدغه‌مند بودن این پژوهش تأکید کردند و انجام آن را گامی به جلو دانستند و همچنین حضور دانشجو را در کنفرانس‌های مرتبط بین‌المللی عامل مؤثری در غنای رساله دانستند. این اساتید معتقد بودند که دانشجو موشکافانه و با کوشش و علاقه بسیار به انجام این پژوهش پرداخته است.

در ادامه، دانشجو در ۴۰ دقیقه ضمن ارائه رساله خود، در خصوص مهمترین نکات طرح شده در رساله حاضر به بیان نتایج و دستاوردهای رساله خود به شرح ذیل پرداخت:

جمله‌ها براساس بندهای تشکیل‌دهنده‌شان به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. در این رساله به جمله پیچیده می‌پردازیم. جمله پیچیده از ترکیب بند اصلی و بند پیرو ساخته می‌شود. بندهای پیرو خود به دو دسته موضوعی و غیرموضوعی تقسیم می‌شوند: بندهای موضوعی، بندهای پیرویی هستند که جزء ظرفیت محمول بند اصلی‌اند و در جایگاه موضوع قرار دارند، اما بندهای غیرموضوعی (۱) بندهای پیرویی هستند که توصیف‌گر گروه اسمی هستند که به آن‌ها بندهای موصولی گفته می‌شوند و افزوده‌ای در سطح گروه اسمی هستند، و (۲) بندهای پیرویی هستند که برای بند اصلی‌شان به صورت افزوده هستند که بند قیدی نام دارند و شامل (الف) بندهای قیدی مرکزی: بند شرطی، بند زمان، بند هدف، و بند علت، و (ب) بندهای قیدی حاشیه‌ای: بند غیرمنتظره، و بند تقابلی هستند. در رساله، هر بند ابتدا تعریف و انواع آن مشخص می‌شود، سپس جایگاه آن بند نسبت به بند اصلی تعیین می‌گردد، و در آخر ساختار درونی آن توصیف و جایگاه آن در اشتقاق نحوی تعیین می‌شود.

از بین بندهای قیدی، چهار نوع بند قیدی مرکزی شدند که عبارتند از بند علت، بند زمان، بند هدف و بند شرطی. هر چهار بند در جایگاه اشتقاق در پایه به گروه فعلی کوچک متصل می‌شوند تا توسط فاعل بند اصلی سازه‌فرمانی شده و سپس از آنجا به گروه وصفی مختص به خود در حاشیه چپ جابه‌جا شوند. در صورتی که بند قیدی قبل از بند اصلی بود و می‌خواست که بعد از بند اصلی قرار گیرد و یا برعکس، با حرکت بند اصلی به یک گروه وصفی خنثی بالاتر، این تغییر را ایجاد می‌کنیم.

درون هر بند متممی می‌توان حداکثر یک بند متممی دیگر داشت، می‌توان از هر نوع بند قیدی، نمونه‌ای داشت، و می‌توان به تعداد گروه‌های اسمی درون آن بند، بند موصولی داشت. درون هر بند موصولی می‌توان حداکثر یک بند متممی داشت، می‌توان از هر نوع بند قیدی، نمونه‌ای داشت، و می‌توان به تعداد گروه‌های اسمی درون آن بند، بند موصولی داشت. درون هر بند قیدی می‌توان حداکثر یک بند متممی داشت، می‌توان از هر نوع بند قیدی، نمونه‌ای داشت، و می‌توان به تعداد گروه‌های اسمی درون آن بند، بند موصولی داشت.

به کمک روشی که اولین بار چینکوئه (۱۹۹۹) در نظریه نقشه‌نگاری برای تعیین ترتیب یک سری از سازه‌ها به کار بست، به ترتیب بندهای پیرو نسبت به هم بررسی شد، و بعد از آن ترتیب بندهای قیدی مرکزی نسبت به هم مشخص شد، و سه توالی اصلیشناسایی شد. ترتیب بی‌نشان بندهای قیدی مرکزی به صورت بند شرط/ بند زمان < بند اصلی < بند هدف < بند علت است. بندهای قیدی مرکزی در صورتی که بعد از بند اصلی قرار بگیرند دارای ترتیب بند اصلی < بند زمان/ بند شرطی < بند هدف < بند علت و در صورتی که قبل از بند اصلی قرار بگیرند به صورت بند علت < بند هدف < بند زمان/ بند شرطی < بند اصلی هستند.

بندهای قیدی مرکزی با اتصال به گروه فعلی کوچک وارد ساختار نحوی شده و از آنجا به جایگاه وصفی مختص به هریک از بندهای قیدی جابه‌جا می‌شوند. استفاده از فراقن‌های نقشی برای نشان دادن ترتیب سازه در چارچوب

چینکوئه (۱۹۹۹) انجام شده است زیرا بر اساس نظریه نقشه‌نگاری چینکوئه بحث ترتیب بر اساس نظریه اتصال برچیده شده است. در جایگاه بی‌نشان، هریک از بندها سر جای خود در گروه وصفی خودشان هستند، اما اگر هر چهار بند قبل از بند اصلی باشند، با جابه‌جایی بند اصلی به گروه وصفی بالای بند زمان/شرط ترتیب آن‌ها شکل می‌گیرد، و اگر هر چهار بند بعد از بند اصلی باشند، با حرکت دنباله‌دار بند اصلی به گروه‌های وصفی بالاتر جابه‌جا می‌شوند. تحلیل حرکت دنباله‌دار مشابه است با تحلیل والمالا (۲۰۰۹) روی بندهای قیدی که خود این الگو را از تحلیل چینکوئه به دست آورد که روی گروه‌های حرف‌اضافه‌ای قیدی انجام داده بود. این تحلیل باعث شد به ترتیب درستی از بندها برسیم.

در ادامه جلسه دکتر ارسلان گلفام، داور مدعو خارجی رساله به نقد و ارزیابی رساله پرداخت. وی پیشنهاداتی برای اصلاح برابرنهادهای فارسی و همچنین برخی از اشکالات صوری اشاره کرد. وی درباره قضاوت درمورد نشان‌داری و بی‌نشانی در رساله نیز پرسش‌هایی مطرح کرد که دانشجو مبنای انتخاب نشان‌داری و بی‌نشانی را تحلیل راسخ مهند و سلیمیان (۱۳۹۴) معرفی کرد.

دکتر آتوسا رستم‌بیک‌تفرشی، داور داخلی، نیز در ادامه به ارائه ارزیابی خود از رساله پرداخت. وی نیز با اشاره به بحث بی‌نشانی و نشان‌داری در زبان فارسی، این پرسش را مطرح کرد که آیا می‌توان با این دو موضوع داده‌ها را تبیین کرد؟ و در پاسخ دکتر دبیرمقدم، راهنمای اول رساله، پاسخ به این پرسش را نیازمند پژوهش‌های بیشتر دانست.

دکتر صفار مقدم، داور دوم داخلی، ضمن تأکید بر کاربردی بودن موضوع رساله در آموزش زبان فارسی، به برخی از مشکلات نگارشی رساله اشاره و بر ضرورت پالایش بیشتر نکات نگارشی در رساله تأکید کرد.

دانشجو ضمن پذیرش برخی از اصلاحات مورد تأکید هیأت داوران، در دفاع از رساله خود اظهار داشت: هدف رساله حاضر تلاش برای بهره‌برداری از رویکردهای نظری مختلف و در نهایت دستیابی به یک مدل تحلیلی بود تا بتوان در آن قالب، ساختار و توالی بندهای موضوعی و غیرموضوعی زبان فارسی را بر پایه برنامه کمینه‌گرا تبیین نمود. در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹/۷۹ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته زبان‌شناسی تشخیص دادند.

گزارش جلسه دفاعیه محمدحسن ترابی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی)

تاریخ برگزاری : ۹۸/۷/۲۹

موضوع: ارزیابی مهارت‌های زبانی بیماران آسیب‌دیده مغزی نیمکره راست فارسی‌زبان بر پایه پروتکل ارزیابی مهارت‌های ارتباطی مونترال (پروتکل ام. ای. سی).

استادان راهنما: دکتر یحیی مدرسی‌تهرانی، دکتر شهلا رقیب‌دوست

استادان مشاور: دکتر فریبا یادگاری

استادان داور: دکتر شهین نعمت‌زاده، دکتر حوریه احدی، دکتر حسن عشایری

این جلسه مورخ ۹۸/۷/۲۹ ساعت ۱۳:۰۰ با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به مباحث عصر روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی بالینی در آزمایشگاه زبان‌شناسی در پژوهشکده زبان‌شناسی در ساختمان اصلی پژوهشگاه برگزار گردید.



در ابتدای این جلسه، دکتر مدرسی‌تهرانی و دکتر شهلا رقیب‌دوست بر ضرورت و دغدغه‌مند بودن این پژوهش و مورد تأیید بودن آن برای اساتید داور و مشاور تأکید کردند. وی معتقد بود که دانشجو موشکافانه و با کوشش و علاقه بسیار به انجام این پژوهش پرداخته است.

در ادامه، دانشجو در ۲۰ دقیقه ضمن ارائه رساله خود، درخصوص مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در رساله حاضر به بیان نتایج و دستاوردهای رساله خود به شرح ذیل پرداخت:

در توانایی‌های نوابی ۸ بیمار، در توانایی‌های واژگانی-معنایی ۶ بیمار، در توانایی‌های گفتمانی ۵ بیمار، و نیز در توانایی‌های کاربردشناختی ۵ بیمار اختلال داشتند. در سطح گروهی، بیماران آسیب‌دیده نیمکره راست در خرده‌آزمون‌های گفتمان روایتی (ارزیابی درک داستان)، تکرار آهنگ احساسی، روانی گفتار با معیارهای معنایی، و تولید آهنگ احساسی گفتار به‌طور معنی‌داری ضعیف‌تر از گروه شاهد عمل کردند؛ تفاوت عملکرد دو گروه در تکلیف‌های گفتمان محاوره‌ای و تفسیر کنش گفتاری غیرمستقیم نیز نزدیک به معنی‌داری بود.

عملکرد گروه بیماران آسیب‌دیده نیمکره راست ناهمگن‌تر از گروه شاهد بود و الگوی اختلالات بیماران آسیب‌دیده نیمکره راست بسیار پراکنده و ناهمگن بود و در این بیمارانیک مهارت تا همه مهارت‌ها دچار اختلال شده بود. عملکرد بیماران در کل نیز به‌طور معنی‌داری ضعیف‌تر از گروه شاهد بود. در بیماران، اثر آسیب نیمکره راست بر مهارت‌های نوابی، واژگانی-معنایی، و گفتمانی به‌طورمستقیم و بر مهارت‌های کاربردشناختی به‌طور غیرمستقیم مشاهده شد.

بر اساس عملکرد بیماران آسیب‌دیده نیمکره راست در این پژوهش، مناسب‌ترین دسته‌بندی این بیماران، دسته‌بندی فره و همکاران (۲۰۱۲) بود که برای زبان فارسی نیز پذیرفته شد. بر این اساس، بیماران آسیب‌دیده نیمکره راست فارسی‌زبان به چهار گروه تقسیم شدند: (۱) اختلال گسترده و شدید در همه مهارت‌ها، (۲) اختلال در چند مهارت (تکالیف گفتمان محاوره‌ای، بازگویی داستان، تکرار نوای گفتار، و قضاوت معنایی)، (۳) اختلال در گفتمان محاوره‌ای و تکرار و تولید نوای احساسی، و (۴) بدون اختلال.

در ادامه جلسه دکتر شهین نعمت‌زاده، داور مدعو خارجی اول رساله، ضمن مطرح کردن برخی از اشکالات صوری رساله، آن را کاری ارزشمند دانست که حرف برای گفتن دارد.

دکتر حسن عشایری داور مدعو داخلی دوم نیز در ادامه به ارائه ارزیابی خود از رساله پرداخت. وی با اشاره به اینکه در شرایط کنونی نیاز به استفاده از آزمون‌های بالینی جدید نظیر پروتکل ام. ای. سی. برای ارزیابی مهارت‌های زبانی بیماران نیمکره راست داریم، پیشنهادهای برای انجام پژوهش در آینده با در نظر گرفتن آسیب‌های محتمل در نیمکره غیردرگیر چپ در بیماران آسیب‌دیده نیمکره راست ارائه کرد.

دکتر حوریه احدی، داور داخلی، نیز ضمن ارزشمند خواندن این پژوهش و همچنین اینکه انجام پژوهش‌های میدانی و به‌خصوص بالینی مشکلات خاص خود را دارد، و با اشاره به اینکه انجام این‌گونه پژوهش‌ها موجب ارتباط بیشتر دانشجویان زبان‌شناسی و گفتاردرمانی و در نتیجه دستاوردهای بیشتر برای ارائه خدمات بهتر به بیماران می‌شود، اشاره کرد که اشکالات مطرح‌شده در جلسه پیش‌دفاع در نسخه نهایی رساله برطرف شده است.

دانشجو ضمن پذیرش برخی از اصلاحات مورد تأکید هیات داوران، در دفاع از رساله خود اظهار داشت که هدف رساله حاضر، تلاش برای ارزیابی مهارت‌های ارتباطی بیماران آسیب‌دیده نیمکره راست و در نهایت، دسته‌بندی این بیماران برای دستیابی به آگاهی بیشتر از توانایی‌های ارتباطی و زبانی نیمکره راست جهت خدمت‌رسانی بهتر و مؤثرتر به این بیمارانبوده است.

در پایان هیات داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۲۰ درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته زبان‌شناسی تشخیص دادند.



پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
با همکاری پژوهشکده ادبیات و پژوهشکده تاریخ برگزار می‌کند:

مجموعه‌های همایش:

- ۱ زندگی و سلوک اجتماعی
- ۲ بررسی منابع و اسناد موجود در باب زندگی قطب
- ۳ منابع فکری قطب و بررسی میزان تأثیرگذاری این منابع
- ۴ اندیشه
- ۵ اندیشه اجتماعی و سیاسی
- ۶ اندیشه دینی و عرفانی
- ۷ نسبت اندیشه قطب با وضع معاصر ما
- ۸ آثار
- ۹ سبک‌شناسی نوشته‌های قطب
- ۱۰ جایگاه نوشته‌های قطب در میان آثار عرفانی
- ۱۱ قطب و زبان فارسی

فراخوان عبدالله قطب محبی

همایش ملی تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه

دبیر علمی: دکتر مهدی بنایی قطب آبادی
دبیر اجرایی: دکتر امیر صادقی

با همراهِ استادان ارجمند:

رضا داوری اردکانی - غلامرضا اعوانی - احمد بهشتی - نصرالله پورجوادی - علی اصغر میرباقری - تقی پورنامداریان - مهدی دهباشی - بیژن عبدالکریمی - محمدجواد صافیان - محمدتقی چاوشی - مریم دانشگر - علیرضا ملایی - اکبر ثبوت - حسین کلیاسی - رضا سلیمان حسمت - منوچهر صدوقی سها و...

توضیحات بیشتر و تماس:

تارنما: <http://www.ihcs.ac.ir/ghob>

رایانامه: icc@ihcs.ac.ir

نشانی: تهران، بزرگراه کردستان، نبش خیابان آئینه‌وند،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شماره تماس: ۸۸۰۴۱۴۵۸

تاریخ‌های اصلی همایش:

تاریخ ارسال چکیده مقالات: ۱۰ آذر ۱۳۹۸

اعلام نتایج داوری چکیده مقالات: ۱۵ آذر ۱۳۹۸

تاریخ ارسال اصل مقالات: ۲۵ دی ۱۳۹۸

تاریخ برگزاری همایش: دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



مدیر مسئول: سیدمحسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

دبیر: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah